چه کسی پاسخگوی ضرر ۱۰۰ میلیارد دلاری از نفروختن نفت است؟

نسیم جنوب

www nasimjonoub COM

سال بیست و پنجم – شماره ۱۰۳۰ سه شنبه ۲۰ دی ۱۴۰۱ ۸ صفحه – ۲۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق میگیرد)

گاهی مرگ پایان کبوتر است

دکتر سعید معدنی



درآمدهای سرشار پتروشیمی های عسلویه همراه با کمبود امکانات زندگی مردم

بیکاری جوانان عسلویه در پایتخت انرژی کشور

ناصر علیخواه: مدیرعامل پتروشیمی پردیس در عسلویه خبر از درآمد ۱/۷ میلیارد دلاری این پالایشگاه در پارس جنوبی داده است، خبری که احتمالا برای مردم نقاط جنوبی استان بوشهر که در کنار درآمدهای سرشار پارس جنوبی زندگی میکنند، ولی با بی مهری نفتی ها، از انواع کمبودها رنج میبرند، هیچ اهمیتی ندارد.

سالهاست که مردم استان بوشهر خواستار عمل وزارت نفت به وظایف مسئولیت اجتماعی خود هستند و وزارت نفت هم با اعتبارات ناچیزی، عملا کار مهمی در این زمینه نکرده است.

در مقابل آلودگی هوا و از بین رفتن اشتغال بومی و ورود انواع و اقسام جرم‌ها و بزه ها بدنبال ورود صنایع نفت و گاز به این منطقه، حداقل انتظار این است که نفتی‌ها قدردان منطقه ای که این چنین ثروت و درآمدی را رقم میزند، باشند و حداقل زمینه اشتغال جوانان و نیروهای بومی را در فعالیت های نفت و گاز استان فراهم کنند، که از انجام همین حداقل نیز کم لطفی کرده اند که در نتیجه با لشکری از جوانان بومی بیکار در زیر شعله های تولید و صادرات نفت و گاز در منطقه روبرو هستیم.

تا موقعی که مردم استان بوشهر از نعمات میزبانی صنایع نفت و گاز در منطقه محروم هستند و وزارت نفت به مسئولیت اجتماعی خود در قبال مردم این منطقه عمل نمی‌کند، بالا و پائین رفتن درآمدهای تولید و صادرات امثال پتروشیمی پردیس، هیچ نفع و اهمیتی برای مردم ندارد.

عبدالمحمد زنگویی؛ بزرگمرد فوتبال بوشهر

مهدی صالحی زاده



مجید چاهی بخش، نجیب زاده ای بی بدیل

ابراهیم مهدی زاده



بازار معروف آهنگران در شهر بوشهر قدیم

غلامرضا شریفی خواه



فضای عمومی شهر بوشهر در دوران قاجار

دکتر حمیداسدپور – مجتبی محمدی



مخالفت با افزایش سن بازنشستگی

عضو هیئت‌مدیره کانون‌های شوراهای اسلامی کار سراسر کشور گفته، اگر قرار است صندوق از بحران نجات پیدا کند، دولت باید از هزینه‌های غیرضروری خود بزند و بدهی خود را به صندوق بدهد، نه اَینکه همه راه‌ها رَا رها کند و سراغ کارگران برود. به‌گزارش ایلنا، علی اصلانی در انتقاد از این تصمیم گفت: «تغییر سن بازنشستگی که ظاهرا در برنامه هفتم به دنبال آن هستند، بی‌عدالتی است. کارگری که در شرفِ بازنشستگی است، سال‌ها قبل قراردادش را با سازمَان بسته و قرار نیست ناگهان این قرارداد یک‌طرفه تغییر کند.» او ادامه داد: «در ترکیه که کشور همسایه است، برای سومین‌بار دستمزد افزایش پیدا کرده و در یک‌سال، دستمزدِ آنها رشد ۱۰۰درصدی داشته است، اما در ایرانَ برای افزایش یکباره دستمزد هم مشکل داریم. تن و بدن نمایَندگان کارگری می‌لرزد که با خط فقر ۱۵میلیونی که خودشان اعلام کرده‌اند، امسال برای افزایش حداقل حقوق چه باید بکنند؟ ضمن اینکه همین امروز هم در مورد افزایش حقوق سال ۱۴۰۱ موضع‌گیری می‌شود.»

راه‌اندازی نخستین خط کشتیرانی کانتینری از بندر بوشهر به امارات

مدیرکل بنادر و دریانوردی استان بوشهر از راه‌اندازی نخستین خط کشتیرانی کانتینری از بندر بوشهر به بندر جبل علی امارات متحده عربی خبر داد و گفت: با راه‌اندازی این خط دریایی زمینه صادرات و واردات محصولات افزایش می‌یابد. وی یکی از مطالبات مهم بازرگانان و صادرکنندگان محصولات را ایجاد خط کشتیرانی از بندر بوشهر دانست و بیان کرد: با توجه به اینکه میگو تولیدی استان بوشهر از دیگر بنادر کشور صادر می‌شد برای تحقق مطالبات بازرگانان زمینه صادرات آبزیان از بندر بوشهر فراهم شده است.

تخصیص ۵۹ میلیارد تومان برای ساخت بیمارستانی جدید در بوشهر

رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان بوشهر گفت: با نگاه ویژه دولت سیزدهم به مسئله درمان، در محل بیمارستان قدیمی فاطمه زهرا(س) بوشهر، بیمارستانی جدید ساخته می شود که امسال ۵۹ میلیارد تومان تخصیص اعتبار داشته است.

به گزارش ایرنا، محسن پاپری زارعی در حاشیه بازدید از بیمارستان جایگزین فاطمه الزهرا (س) بوشهر در گفت‌وگو با خبرنگاران اظهار کرد: موضوع درمان مردم یکی از اولویت‌های مهم مدیریتی استان است و برای رفع بخشی از مشکلات درمانی و افزایش سرانه تخت‌های بیمارستانی، تکمیل بیمارستان جایگزین فاطمه الزهرا (س) تسریع می شود.

وی افزود: این بیمارستان جایگزین با زیربنای ۱۷ هزار و ۲۵۰ مترمربع در ۵ طبقه و با دارا بودن ۱۸۰ تخت بستری عمومی و ویژه تکمیل می شود.

رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان بوشهر اضافه کرد: برای ساخت و تکمیل دانشکده دندان‌پزشکی و مرکز بیماری های خاص از محل اعتبارات سفر رئیس‌جمهور به استان بوشهر به ترتیب ۲۰ و ۳۷ میلیارد تومان تخصیص اعتبار انجام شده است.

پاپری زارعی ادامه داد: استان بوشهر با شاخص ۱.۱ نسبت به سرانه ملی با شاخص ۱.۳۴ به ازا هر یک هزار نفر دارای سرانه کمتری از تخت بیمارستانی است که تلاش می کنیم با گرفتن اعتبارات مورد نیز، این فاصله معنادار را کاهش دهیم.

بهداشت و درمان در آی‌سی‌یو

با اطمینان می‌توان گفت که بخش بهداشت و درمان در بیشتر کشورهای جهان با مشکلاتی مواجه هستند که معمولا جزو اولویت‌های اول و دوم دولت‌ها برای حل یا بهبود آنها قرار دارد. این وضعیت با ویروس کرونا در سه سال گذشته تشدید هم شده است. ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. ولی مشکلات بخش بهداشت و درمان در ایران فراتر از سایر جوامع است و اکنون در موقعیت خطیری قرار گرفته و شاید لازم باشد که به آی‌سی‌یو منتقل شود. مهمترین دلیل این ادعا سطح بالای این بخش از حیث نیروی انسانی پزشک است که کشور را از رفتن بیماران به خارج بی‌نیاز کرده است. همچنین سطح مطلوب تجهیزات پزشکی به‌ویژه در بیمارستان‌های دولتی است که هر دو ویژگی در حال رکود جدی و عقب‌گرد هستند و باید برای آنها فکری اساسی کرد. نیروی انسانی متخصص به چند علت در حال کناره‌گیری از این حرفه یا مهاجرت هستند. مهمترین آنها نظام قیمت‌گذاری دستمزد است که بسیاری از پزشکان را ناامید از ادامه کار در این حرفه در اینجا نموده است. هم‌اکنون نیز اخباری از دانشگاه‌های کشور به گوش می‌رسد که ترک‌تحصیل از این رشته بسیار محبوب در حال افزایش است. علت دیگر ناامیدی از آینده این حرفه و وضعیت سیاسی و اجتماعی کشور است که انگیزه‌های بقا در کشور را کاهش می‌دهد. علت دیگر نیز جریان ضدعلم یا شبه‌علمی است که در مدیریت و سیاستگذاری این بخش نفوذ دارد و پزشکان حاذق به کلی از این جریان مدیریتی دور مانده‌اند و با حرفه و بخش خود احساس بیگانگی می کنند.



این مجموعه از نارسایی‌ها موجب شده که وضعیت اقتصادی پزشکان و بیمارستان‌ها و مراکز درمانی دولتی نامطلوب‌تر شود، به‌ویژه آن که ناتوانی در تامین دارو نیز معضلی اضافه بر این موارد شده است و در نهایت بخش بهداشت و درمان دولتی و بیمه‌ای را با ناکارآمدی قابل انتظاری مواجه کرده و متاسفانه چشم‌اندازی هم در جهت بهبود آن دیده نمی‌شود. گزارش مستند امروز هم‌میهن به‌خوبی این واقعیت را درباره وضعیت مراکز درمانی سازمان تامین اجتماعی بازتاب می‌دهد. دور نیست که ایران به‌جای آنکه قطب درمانی منطقه باشد مردم آن برای درمان به بیمارستان‌های منطقه مراجعه کنند و پزشکانی که با هزینه این کشور درس خوانده و تربیت شده‌اند در آنجا مشغول درمان مردم ایران باشند. برای این بخش باید امروز فکری اساسی کرد، فردا هم دیر است. متاسفانه مقامات حکومتی چندان درگیر ناکارآمدی‌های این بخش نیستند، چون به‌راحتی با یک تلفن همه چیز حل است؛ بیمارستان خوب و درمان خارج از نوبت و جراح درجه یک و داروی در دسترس و خدمات پرستاری مناسب، همه و همه برای آنان آماده و در دسترس است، ولی این مردم به‌ویژه بیمه شدگان هستند که دفترچه به دست از این مرکز به آن مرکز پاس داده می‌شوند و افرادی هم که پول دارند در بیمارستان خصوصی نیاز درمانی‌شان تامین می‌شود. به نظر می‌رسد که دولت برای این بخش هم هیچ برنامه‌ای ندارد، جز صبر و بردباری!/ هم‌میهن

۲ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان از کالاهای اموال تملیکی استان بوشهر فروخته شد

رئیس کل دادگستری استان بوشهر گفت: ۲ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان در ۹ ماه امسال از محل فروش کالاهای دپو در انبارهای سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی این استان درآمد حاصل شده است.

پیشنهاد استاندار فارس برای شتاب بخشی به اجرای طرح آزاد راه شیراز - بوشهر

استاندار فارس با تاکید براینکه قسمتی از مسئله تامین اعتبار آزادراه شیراز - بوشهر را می توان با تفویض اختیار حل کرد، گفت: در برنامه هفتم توسعه و بودجه ۱۴۰۲، یک درصد از درآمد تولید نفت و گاز استان های فارس و بوشهر به این پروژه اختصاص یابد.

دکتر محمدهادی ایمانیه در جلسه بررسی پروژه احداث آزاد راه شیراز بوشهر که در مجلس شورای اسلامی ،با حضور دکتر نیکزاد، نائب رئیس مجلس شورای اسلامی، استاندار بوشهر، معاونین عمرانی استانداری های فارس و بوشهر، جمعی از نمایندگان مجلس، سرمایه گذاران و پیمانکاران برگزار شد، با اشاره به اینکه اعتبار مورد نیاز فعلی پروژه ۱۶ هزار میلیارد تومان تعیین شده است، گفت: می بایست به این آزاد راه به شکل یک بسته توجه کنیم؛ قطعا تا پایان احداث این مبلغ افزایش خواهد داشت.

پرداخت ۱۲۳۳ میلیارد تومان تسهیلات بانکی

معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری بوشهر در خصوص پرداخت تسهیلات بانکی در استان گفت: از ابتدای سالجاری ۴۵۰ میلیارد تومان تسهیلات رونق تولید به واحدهای تولیدی استان پرداخت شده است. به گزارش ایرنا باستین اضافه کرد: همچنین از محل تسهیلات بند الف تبصره ۱۸نیز ۶۸۳ میلیارد تومان به واحدهای اقتصادی در بخش‌های مختلف پرداخت شده و به زودی یک هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان دیگر در این سرفصل به استان ابلاغ می شود که برای توضیح در اختیار بانک های عامل قرار داده می شود. افزون بر این ۱۰۰ میلیارد تومان نیز به صورت تسهیلات کم بهره در بخش مشاغل خُرد و خانگی پرداخت شده، این درحالی است که سال گذشته ۶۰ میلیارد تومان و سال ۹۹ نیز تنها ۶ میلیارد تومان پرداخت شده و این بیانگر اهتمام دولت در پرداخت این تسهیلات است. به گفته باستین تاکنون ۲۷ میلیارد تومان تسهیلات روستایی و عشایری به واحدهای تولیدی مستقر در روستاهای استان بوشهر پرداخت شده است.معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری بوشهر با اشاره به آغاز فرایند اجرایی پرداخت تسهیلات بند ب تبصره ۱۶ گفت: سهم استان بوشهر از این محل یک هزار و ۴۴۶ میلیارد تومان است که در زمان حاضر توزیع بین شهرستان‌ها براساس شاخص‌ها آغاز شده و کسانی که قصد اشتغال دارند می توانند از این فرصت استفاده کنند.

بیکاری جوانان عسلویه در پایتخت انرژی کشور

امام جمعه بوشهر با اشاره به وجود ۲۸۰ جوان بیکار در عسلویه گفت: این صنعت خانه مردم است و نباید کسی در خانه خود غریبه باشد براین اساس وجود این شمار بیکار زیبنده پایتخت انرژی کشور نیست و باید با فراگیری مهارت‌های لازم مشغول به کار شوند.

وی با انتقاد از زیر پوشش بودن یک هزار و ۸۰۰ خانوار عسلویه ای از خدمات کمیته امداد افزود: نباید در کنار کاخ‌های صنعتی مستقر در عسلویه کوخ‌هایی از مردم نیازمند وجود داشته باشد.

امتحانات نهایی جدید

معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش‌وپرورش می‌گوید، برای سال ۱۴۰۴ سوابق‌تحصیلی پایه یازدهم دانش‌آموزان هم ایجاد می‌شود و تاثیر سوابق‌تحصیلی پایه‌های یازدهم و دوازدهم ۶۰ درصد قطعی است، بنابراین در خردادماه ۱۴۰۳، همه دانش‌آموزان پایه دهم، یازدهم و دوازدهم امتحان نهایی خواهند داشت. محمدمهدی کاظمی در این‌باره گفت: «این مصوبه مربوط به سال ۱۴۰۰ است و ابلاغ هم شده و ازطریق جرائد و رسانه‌ها اطلاع‌رسانی شده است؛ البته ابهاماتی هم بود مثلا اگر یک دانش‌آموز یک عنوان درسی را جزو سوابق تحصیلی نداشت، طبیعتا هیچ‌کدام از سوابق تحصیلی برایش منظور نمی‌شد. یا اینکه حتما باید سوابق‌تحصیلی مرتبط می‌بود.» او ادامه داد: «ابهاماتی در آن مصوبه وجود داشت و شورای‌عالی انقلاب فرهنگی در جلسات ۸۵۵ و ۸۶۳ مجددا نسبت به بازنگری این مصوبه اقدام کرد، اصلاحات را انجام داد و اطلاع‌رسانی هم تا قبل از شروع سال‌تحصیلی در شهریورماه انجام شد.»

افزایش ۴۰ درصدی قیمت خودرو

قیمت خودرو نسبت به ماه گذشته ۴۰ درصد افزایش داشته، البته قیمت خودروهای داخلی و خارجی در یک‌هفته اخیر حدود ۱۰ درصد کاهش یافته است. سعید مؤتمنی، رئیس اتحادیه نمایشگاه‌داران و فروشندگان خودروی تهران با اشاره به افزایش قیمت خودرو در یک‌ماه گذشته گفت: «دیروز هر دستگاه پژو ۲۰۶ تیپ۲، ۴۵۵ میلیون تومان، پژو ۲۰۷ دنده‌ای فرمان برقی ۵۶۵ میلیون تومان، پژو ۲۰۷ دنده‌ای سقف شیشه‌ای ۶۰۷ میلیون تومان، تیبا صندوقدار ۲۹۴ میلیون تومان، تیبا دو ۲۹۸ میلیون تومان، ساینا اس ۳۰۲ میلیون تومان، کوئیک.آر دنده‌ای ۳۰۵ میلیون تومان، کوئیک‌آر اتوماتیک ۴۱۲ میلیون تومان قیمت خورد.» مؤتمنی با بیان اینکه خودروهای خارجی وارداتی هنوز در بازار عرضه نشده است، تصریح کرد: «در صورت عرضه خودروهای وارداتی به بازار قدم مثبتی درخصوص کاهش قیمت‌ها برداشته خواهد شد، ولی هنوز تعرفه‌ها مشخص نشده است. اما نوسانات ارزی تأثیر خود را بر کالاهای سرمایه‌ای ازجمله خودرو می‌گذارد.»

حبوبات و برنج خارجی گران شد

در ۲۰ روز اخیر به دلیل افزایش نرخ ارز، قیمت حبوبات و برنج خارجی ۱۰ تا ۱۲ درصد گران شد. رضا کنگری، رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی با اشاره به وفور کالا در بازار در مورد وضعیت بازار مواد غذایی، اظهار کرد: «در حال حاضر در هیچ‌یک از گروه‌های کالایی از جمله برنج، روغن و حبوبات کمبودی نداریم و بازار با وفور کالا مواجه است؛ منتهی به دلیل کاهش قدرت خرید مردم، رکود بر بازار حاکم شده است، چراکه گرانی‌های امسال سبب شده است وسع مردم برای خرید مواد غذایی کمتر شود.» رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی تهران با اشاره به قیمت کالاها، افزود: «برنج پاکستانی مرغوب بین ۴۵ تا ۵۰ هزار تومان و برنج هندی نیز بین ۳۳ تا ۴۰ هزار تومان فروخته می‌شود؛ اما همانطور که گفته شد برنج ایرانی گران نشده و انواع برنج ایرانی در بازار از ۵۵ تا ۱۳۵ هزار تومان موجود است.»

تشریح ضرر ۱۰۰ میلیارد دلاری از نفروختن نفت ایران

رضا پدیدار، رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی تهران در توضیح رقم اعلام‌شده از ضرر نفروختن نفت به اقتصاد ایران به هم‌میهن، گفت: «اخیرا جواد اوجی، وزیر نفت با کمیسیون انرژی اتاق تهران جلسه‌ای داشت و در آن جلسه آمار و ارقامی از میزان تولید و فروش نفت و میعانات گازی ارائه کرد که خروجی آن رقم اعلام شده است. با استناد به اظهارات وزیر نفت ظرفیت بهره‌برداری از مخازن نفت حدود سه میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه در روز بوده که این ظرفیت به حدود چهار میلیون بشکه در روز افزایش یافته است. بنابراین با وجود افزایش تولید، امکان فروش نفت به دلیل تحریم‌ها وجود ندارد.»

او به آمارهای ارائه شده از سوی اوپک درباره میزان تولید نفت ایران در دسامبر (ماه گذشته) اشاره و اظهار کرد: «بر اساس گزارش اوپک در این ماه ایران دو میلیون و ۵۲۰ هزار بشکه تولید داشته است. از این میزان حدود ۱,۷ تا ۱,۶۸ میلیون بشکه در روز مصرف داخلی داریم و مابقی صادر می‌شود. یعنی ایران حدود ۷۰۰ هزار بشکه در روز صادرات نفت دارد.»

پدیدار معتقد است که اگر مبنا اظهارات وزیر نفت باشد بر اساس میزان تولید کنونی سه‌میلیون بشکه در روز و مصرف ۱,۷ میلیون بشکه در روز در بخش داخلی مابقی آن یعنی ۱,۳ میلیون بشکه در روز باید صادر شود که البته وزیر نفت از صادرات ۱,۵ میلیون بشکه نیز سخن گفت. این اظهارات با گزارش اوپک مغایرت دارد.

او درباره عدم‌النفع مالی ایران از محل عدم فروش نفت با توجه به افزایش ظرفیت تولید یعنی چهار میلیون بشکه در روز، تاکید کرد: «بعد از این اظهارات در کمیسیون انرژی اتاق مطالعه‌ای داشتیم که میزان عدم‌النفع ما با استناد به آمار وزیر نفت از ظرفیت تولید و عدم فروش به‌دلیل تحریم در طول یک‌سال گذشته حدود یک‌صد میلیارد دلار است. البته آمارهای اوپک با مسئولان کشوری در تعارض است. آمارها درباره مباحث نفتی از جمله میزان ظرفیت، میزان صادرات و... شفاف نیست. اما رئیس اتاق بازرگانی عدم‌النفع را این قیمت برآورد و اعلام کرد.» رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی تهران در پاسخ به این که چقدر می توان به این آمارهای داخلی اعتماد کرد، گفت: «به درستی نمی‌دانم. اتاق بازرگانی بر اساس گزارش رسمی وزارت نفت و وزیر مربوطه رقم اعلام کرده است. هرچند آمار اوپک رقم دیگری است.»

تصمیم برای نسل ناشناخته

محمدرضا نیک‌نژاد، معلم و کارشناس آموزشی در یادداشتی در خبرآنلاین نوشت: «یکی از مهم‌ترین نمودهای این اعتراضات، مخالفت و تا اندازه‌ای دلخوری بخشی بزرگی از نسل‌های جوان و نوجوان با نمادهایی است که ساختار سیاسی با سماجت و بدون درک و تحلیل درستِ شرایط زمانی، نیازهای نسلی و شناخت مخاطب، به آنان تحمیل کرده و اجازه گفت‌وگو، اما واگر و پرسش از آنها را به نسل‌های جوانِ کنونی نداده است؛ و البته که در این زمینه به نقدها و توصیه‌های دلسوزان و منتقدان این روند، گوش نداده و نمی‌دهد.» او ادامه داده است: «یکی، دو روز پیش، یکی از مشاوران وزیر آموزش و پرورش گفته بود، معلمان را به حوزه می‌فرستیم تا تدریس یاد بگیرند. جدا از این که این آدم مشاور وزیرِ بزرگ‌ترین نهاد آموزشی کشور است، خود جای شگفتی و البته ناتوانی و ضعفِ نوری به عنوان کار به دست ارشد این وزارتخانه است.»

فضای عمومی شهر بوشهر در دوران قاجار

دکتر حمیداسدپور – مجتبی محمدی

سازمان شهری بوشهر از همان آغاز توجه نادرشاه افشار به بوشهر و خلیج فارس بنیان گذاشته شد. در دوران کریم خان زند و همزمان با حاکمیت خاندان آل مذکور ساختارهای شهری بندر بوشهر قوام یافته و علی رغم سپری نمودن فراز و نشیب های گوناگون با اندکی تغییر به دوران قاجار منتقل گردید (هدایت،۱۳۸۵،ج۹:؛ فسائی،۱۳۷۸،ج۱: ۷۷۱). در دوران قاجار فرستاده ویژه محمد شاه قاجار، به خوبی سیمای بوشهر را توصیف نموده است."شهر بندر ابوشهر مثلث واقع شده و یک گوشه از این مثلث میان شمال و مغرب است و این سه گوشه متصل است به آب دریا و این شهر را حصاری نیست. آمدن کشتی و جهازات در خور بندر ابوشهر بسیار مشکل است زیرا که خورش بلند و پست است که هنگام جزر آب آن بلندی ها بطور جزیره نمایان و در وقت مد آب زیر آب رفته پنهان است و جهازات بزرگ ممکن نیست که بتوانند نزدیک آیند و در نیم فرسنگی لنگر می‌نمایند"(دوسفرنامه‌ازجنوب ایران،۱۳۷۷: ۷۲ـ۶۹). خانه های بوشهر عمدتاً از سنگ ساخته شده بود و بیشتر این خانه ها دارای دوطبقه فوقانی بودند (کرزن،ج ۱، ۱۳۶۲:ص ۲۳۴). در سال ۱۲۹۷ ه.ق /۱۹۰۰ م تعداد خانه های موجود در بوشهر مشتمل بر ۱۴۰۰باب خانه بود. این امر در صورتی بود که لرد کرزن با اشاره به افزایش تعداد جمعیت بندر بوشهر از تعداد ۱۲۰۰ الی ۱۰۰۰ کلبه ساخته شده از تنه و برگ ساخته شده از درخت خرما نام می برد؛ که در آنها طبقات فرودست و سربازان زندگی می کردند. در قرن نوزدهم براساس گزارش های موجود تعداد چهارصد باب خانه سنگی در بوشهر وجود داشته است. تا جایی که بر اساس این گزارشها محل سکونت اعیان بندر بوشهر بوسیله بادگیرهای به کار رفته در عمارت های آنان شناخته می شده است (لوریمر،ج۱۳۶۲،۱: ۳۴۰). علاوه بر مسائل مربوط به بهداشت عمومی، شهر بوشهر برای تأمین آب شیرین خود بیشتر به مناطق همجوار و بیرونی متکی بود و همین امر نیز ساکنین بوشهر را در بیشتر ایام سال با مشکلات و بیماری های عفونی مواجه می ساخت (فریزر،۱۳۸۰: ۳۵). مادام دیولافوا، در یکی از گزارشات خود در سفر به بوشهر به خوبی وضعیت آب آشامیدنی مردم بوشهر و همچنین وضعیت کوچه ها و معابر بوشهر را می کند (دیولافوا،۱۳۷۱: ۵۳۷). جدای از مردمان عادی بندر بوشهر که اکثراً به دلیل فقر مالی با انواع و اقسام بیماری ها دست به گریبان بودند، ساکنان ثروتمند شهر از صاحب منصبان دولتی و تجار گرفته تا کنسول کشورهای خارجی دارای باغ و عمارات مجللی در بخش شبه جزیره ی بوشهر (سبزآباد) بودند که هر روز با درشکه یا چهارپا به محل کار خود در شهر رفت و آمد می‌کردند. ویلم فلور مورخ هلندی بر این باور است که فقدان نهادهای اجتماعی مسئول، در عقب ماندگی سازمان های شهری بندر بوشهر تاثیرگذار بوده است.

اما ازطرفی وی عدم دلبستگی تجار و بازرگانان مهاجر و افراد متنفذ ساکن در بوشهر را در عدم پیشرفت و رشد شهرنشینی بندر بوشهر مؤثر می داند، که با اندکی تأمل و بررسی حضور و فعالیت شخصیت های مؤثری چون؛ سید محمدرضا تاجر کازرونی چندان نمی توان با سخن وی در این زمینه موافق بود (فلور،۱۳۸۸: ۴۵؛ مشایخی: ۱۳۹۵ ، ص۳۷)

موقعیت بندر بوشهر و نحوه قرارگیری این شهردر کرانه های شمالی خلیج فارس اهمیت خاصی بدان شهر داده بود. (خیراندیش،۱۳۹۴ : ۳۰؛کازرونی،۱۳۶۷: ۶۵) احداث چهار برج در اطراف شهر موجب می‌شد که در مواقع بحرانی، حملات و هجوم اعراب ساکن در سواحل خلیج فارس و همچنین نیروهای بومی معترض به سیاست های حکام مختلف که بر بوشهر حکومت می کردند دفع گردد. استاک(stock) یکی از نظامیان انگلیسی حاضر در بوشهر ، این شهر را یکی از آبادترین و باشکوه ترین بنادر ایران و خلیج فارس در اواخر قرن نوزدهم میداند (استفان رای،۱۳۷۸: ۲۹، فلور،۱۳۸۹ : ۴۱)

نقش و اهمیت بازرگانی و تجارت در کنار نگاه ویژه ای که حاکمان وقت ایالت فارس به خلیج فارس و بندر بوشهر داشتند موجب شد که این بندر به عنوان مهمترین شهر بندری خلیج فارس و دروازه‌ی تجاری ایران لقب گرفته و اهمیت ویژه ای بیابد. (وثوقی،۱۳۹۵،ج ۲: ۱۲۵) مهاجرت تجار داخلی از نقاط گوناگون ایران به بندر بوشهر و همچنین حضور نمایندگی های ده کشور بزرگ اروپایی دربوشهراهمیت ویژه‌ای به این بندر داده بود (مشایخی،۱۳۹۴: ۱۹ ؛خاطرات‌حاجی‌پیرزاده،۱۳۴۲،ج۱ : ۱۱۰ ، برومند،۱۳۸۱: ۳۱۴).

بوشهر علی رغم موقعیت ویژه درخلیج فارس در این مقطع زمانی از نظر فضای شهری رشد چندانی



را تجربه نکرد (دیولافوا ،۱۳۷۱: ۵۳۶ ؛خاطرات حاج‌سیاح،۱۳۵۶،ج۱۱: ۲). همچنین ارتباط نزدیکی میان رشد اقتصادی بوشهر و ترکیب اجتماعی آن وجود داشت (عیسوی، ۱۳۶۹: ۷۰). تفاوت در مذهب مانعی بر سر راه تعاملات اقتصادی و بازرگانی به وجود نیاورد. تسامح و مدارایی که بر این بندر حاکم بود. موجب شد که خاندان مشهور و پر نفوذ ملکم ارمنی امانت‌دار بیشتر ثروت و دارایی مسلمانان بوشهری گردند (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲: ۶؛ مشایخی،۱۳۸۲: ۸۰).

فقدان زیرساخت های اولیه شهری در ایران عموماً و در بندر بوشهر خصوصاً وضعیت بهداشت و سلامت ساکنین بوشهر را با خطر مواجه ساخته، تا بدانجا که سالانه افراد زیادی به دلیل بیماریهای عفونی از میان می رفتند. بیماری های عفونی به سکه رایج زمانه بدل شده بود و خدمات بهداشتی حتی تصورش هم محال بود .(کرزن،۱۳۶۲: ۲۳۴ ؛حبل‌المتین،ش۱۸ ،س۲۲ ،۱۳۳۲: ۹).

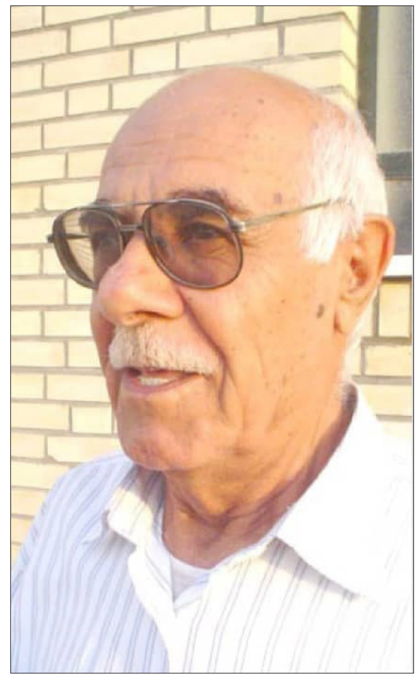
عوامل مهمی چون؛ نبود زیر ساخت های مناسب شهری، فاصلهٔ طبقاتی ، فقدان بهداشت و زیرساخت های مناسب عمومی را در کنار محیط اقلیمی‌خاصی بندر بوشهر در پیدایش چنین وضعیتی، با توجه به روح زمانه حاکم بر ساختاراجتماعی بوشهرِ عصر قاجاریه، مؤثردانست (روزنامه اصلاح،ش۱۹ ،س۲ ،۱۳۲۸ : ۱۰). اگرچه دراین میان اقداماتی هم از سوی برخی از تجار و بازرگانان شهیر بندر بوشهر برای تنظییف و رسیدگی به امور شهری این بندر صورت پذیرفت، اما از آنجا که این اقدامات موقتی و فاقد کار کارشناسی بود به جایی نرسید و فضای عمومی حاکم بر شهر بوشهر تغییر خاصی نکرد وتا تشکیل انجمن بلدیه، این وضعیت با کمترین تغییرات به دوره های بعدی منتقل گشت (روزنامه‌مظفری،ش۹ ،۱۳۲۰: ۱۳۹).

چه کسی پاسخگوی ضرر ۱۰۰ میلیارد دلاری از نفروختن نفت است؟

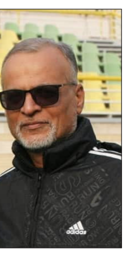
رئیس اتاق بازرگانی تهران اعلام کرد که تحریم و کاهش فروش نفت در چهار سال اخیر، حداقل ۱۰۰ میلیارد دلار به اقتصاد ایران ضرر مستقیم وارد کرده است. البته مجموع ضرر مستقیم و غیرمستقیم ایران از عدم‌فروش نفت در دوران تحریم بسیار بیش از این ارقام است. فساد هم ره‌آورد دیگر تحریم‌ها است که سنجش آن نیازمند مطالعه جدی است. این در حالی است که کل بودجه مورد نیاز برای همسان‌سازی حقوق کارمندان و بازنشستگان که مدت‌هاست معطل بودجه مانده، فقط حدود یک‌ونیم میلیارد دلار است! همچنین کل بودجه عمرانی امسال کشور فقط هفت میلیارد دلار بود که بخش اعظم آن به‌دلیل کمبودهای مالی تحقق نیافته است! اینها در شرایطی است که بیشترین ارقام تورم چهار ساله تاریخ ایران را تجربه می کنیم و قیمت ارز تعیین‌کننده نبض زندگی و اقتصاد کشور شده است. با این ملاحظات واقعا چه کسی پاسخگوی این وضعیت است؟ تا آنجا که شنیده شده است در دولت روحانی، او صریحا اعلام کرد اگر هماهنگی لازم بشود فوری انجام خواهد شد. متاسفانه آن اقدام را مانع شدند و با تصویب قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران که مثل عنوان طرح صیانت هدفی مغایر با عنوان را محقق می‌کرد مانع نهایی‌شدن توافق شدند. دولت جدید هم که آمد ظاهراً می‌خواست توافق انجام شود ولی مدتی این‌دست و آن دست کرد و بالاخره هم دستیار بزرگترین مخالف برجام را راهی مذاکرات کرد. در نهایت هم طبق شنیده‌ها دو بار تا امضای توافق پیش رفتند ولی در آخرین لحظات آن را با توجیهات بی‌پایه به تاخیر انداختند و به امید واهی زمستانِ سخت نشستند و حالا دم از تداوم مذاکراتی می‌زنند که وجود خارجی ندارد. در نتیجه در یک بن‌بست آشکار قرار دارند. ولی آن چه بیش از هرچیز تاسف‌آور است مسئولانی است که قدرت نداشتند و امروز هم نمی‌توانند مسئولیتی را بپذیرند و در کنار آنان صاحبان قدرت و تصمیم‌گیرانی بوده‌اند که هیچ مسئولیت مستقیمی ندارند. بنابراین در این میان سر مردمی بی‌کلاه مانده است که باید قربانی توهمات و جاه‌طلبی کسانی شوند که نه غم نان دارند و نه غم شغل و حقوق ماهانه و نه غم بیمه و درمان، و در خانه‌های شخصی خود لمیده‌اند و «هَل مَن مُبارز» می‌طلبند. آیا کسی هست به این پرسش پاسخ دهد که حداقل در دو سال اخیر و پس از آمدن بایدن چه نفعی از عدم توافق برده‌ایم؟ فرض کنیم که در بدترین سناریو توافق به‌گونه‌ای می‌شد که چهار سال دیگر دوباره به نقطه کنونی می‌رسیدید.

خب چه چیزی را در این عدم توافق کنونی به‌دست آورده‌اید که در صورت توافق از دست داده بودید؟ ما نمی‌دانیم شاید چیزهایی وجود دارد؛ ولی قرار نیست مردم بر اساس جهل خودشان از رفتارها و سیاست‌های حکومت نظر دهند و رفتار و موضع‌گیری کنند. هرچند نباید ناامید شد ولی بعید است که فرصت دیگری برای ایران به‌وجود آید که این پرونده را چنان‌که شایسته است جمع کند./ هم‌میهن

عبدالمحمد زنگویی؛ بزرگمرد شاهین وفوتبال بوشهر



مهدی صالحی زاده خبرنگار نسیم جنوب:



مرحوم عبدالمحمد زنگویی در تاریخ ۱۳۱۴/۵/۱۸ به دنیا آمد و در روز یکشنبه ۱۳۸۶/۱۰/۱۶ یعنی پانزدهمین سال پیش در شیراز و در بیمارستان کوثر در گذشت.

مرحوم زنگویی خرداد ۱۳۳۳ در دبیرستان سعادت بوشهر، دیپلم گرفت و پس از آن راهی خدمت مقدس سربازی گردید. ایشان در باشگاه شاهین در بک راست بازی می کرد، تلاش و ممارست او در این تیم باعث شده بود که همه او را یک بازیکن بارز یاد کنند. زنده یاد زنگویی برای گرفتن امتیاز تغییر نام تیم خلیج به شاهین به تهران رفت و علیرغم همه مشکلات موجود اداری موفق به این کار شد. وی هیچ وقت پشت سر کسی حرف نمی زد، اما صراحت لهجه اش نمونه بود. حرفش را بسادگی به زبان می آورد. جز خدا از کسی نمی ترسید. به کوچک و بزرگ احترام می گذاشت.

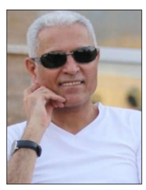
در اکثر پست های اداری و فنی باشگاه بزرگ شاهین عملکرد خوبی داشت. وی زیر بار مسئولیت شانه خالی نمی کرد. آتیه نگر بود و به مسائل اداری و فنی فوتبال کاملا آشنا بود. زنده یاد دلسوز و عاشق برای شاهین بود و به همین دلیل نام پسرش را شاهین گذاشت. آقا شاهین هم از لحاظ اخلاقی و رفتاری کمی از پدر ندارد. وارث و ژن خوب در وجودش نمایان می باشد. پانزده سال از فراق ایشان می گذرد. انگار همین دیروز بود که در خبر درگذشت آقای زنگویی، استان بوشهر و همه شاهینی های ایران را شوکه کرد. هنوز نزد شاهینی های اصیل نام و یادش بر سر زبانهاست. اگر او بود نمی گذاشت در رأس هرم مدیریت باشگاه بچه بازی رُخ دهد. برای تصمیم های کلان، خشت خام جایگزین قدیمی ها گردد. همه هواداران دو تیم بزرگ بوشهر یعنی ایران جوان و شاهین، ایشان را دوست داشتند و این یعنی یک جای کار زنده یاد درست بود. پاک بودن و مردمداری زنگویی باعث این مهم شده بود.

مجید مشایخ پیشکسوت استقلال بوشهر:



سالگشت دیگری از رجعت بزرگمرد شاهین و فوتبال بوشهر فرا رسید. فوتبال ما مدیون زنگویی و بزرگان همتراز او که حالا نیستند هست. اگر می خوهیم عظمت مرحوم زنگویی و مدیریت وعشق او به شاهین را ببینیم به حال و روز شاهین بزرگ امروز نگاه کنیم. در رابطه با شخصیت بزرگمرد شاهین مرحوم زنگویی باید بگویم عاشق و خدمتگزار و متعصب عقلانی شاهین، بدون کوچک کردن حریفان در تقابلها بود. پیدا شدن شخصیت هایی همچون مرحوم به نظرم بعید می آید. مرحوم زنگوئی پدری دلسوز برای باشگاه فرهنگی ورزشی شاهین بود چنان به باشگاه و بازیکنان عشق می ورزید که گویی پدری فرزندانش را با عشق در آغوش می کشد، مانند او کمتر پیدا می شد. ای کاش مثل او در فوتبال بوشهر بیشتر داشتیم و فوتبال ما به این روز نمی افتاد و شاهین به باد فراموشی سپرده نمی شد. امیدوارم همه ی شاهینی ها و بوشهری ها یادش را گرامی داشته و از تجربیات گذشته او به خوبی استفاده کنند. روحش شاد

علی اصغر کامیاب پیشکسوت شاهین:



زنگوئی از نیکان روزگاربود مرحوم زنگوئی بزرگ، از انسانهای نیک روزگاربود. وی در امر مدیریت و باشگاه داری بسیارخوب و کارکشته عمل می کرد. ایشان درحفظ نظم تیم بسیارکوشا بود و در این رابطه خیلی سخت گیری می کرد. مرحوم از لحاظ اخلاقی از زمره مردان خوب و باشخصیت فوتبال بوشهر بود که ما شاهینی ها به داشتن چنین مدیری به خود می بالیدیم. زنده یاد و خانواده اش وقف شاهین شده بودند و روی همین اصل شاهین خانه او شده بود و بازیکنان تیم را مثل فرزندان خود می داشت. صد حیف که این عزیز را از دست دادیم. بنده به نوبه خود پانزدهمین سالگرد ایشان را گرامی می دارم. روحش شاد.

علیرضا محمدی ورزشی نویس:



وقتی تلفن میزد، بی شک می ایستادی و حتی از پشت امواج می توانستی جدیت و صلابتش همچون سلام نظامی با احترام کامل پاسخگو باشی؛ به رغم کسوت و بزرگی ای که داشت گاهی عمدا شوخ طبعی مضاعفی به کلامش می افزود تا عمق، عشق و محبت در وجود آن عزیز ملموس تر باشد. مرحوم زنگویی را می توان مثال ستون اصلی باشگاه شاهین یاد کرد که عاشقانه تیمش را دوست داشت و پیگیرانه در راهبرد امور تیم جان فشانی می کرد. به نقل از استاد جلال غریب زاده؛ مرحوم زنگویی در صراحت لهجه نمونه بود وحرف خودش را می زد. از جمله سال ۱۳۴۳ که تیم شاهین در برابر ایرانجوان بازی داشت آن قدر جمعیت به استادیوم آمده بود که جای سوزن انداختن نبود، آن قدر هواداران هر دوتیم تشویق کردند که فردای مسابقه مدیران تیم فراخوانده شدند، و چه قدر دیدنی بود ایستادگی مرحوم زنگویی مقابل اخطار انحلال باشگاه به دلیل ازدهام جمعیت و این که زنگویی با جدیت تمام می گفت نمی توانید دستور انحلال باشگاه را صادر کنید. مرحوم عبدالمحمد زنگویی با تغییر نام خلیج به شاهین از آذر ماه سال ۱۳۴۲ تا پایان عمر با عزت خود در شاهین فعالیت های بیدریغ داشت و در همه امور یار و یاریگر شاهین بود. از آخرین مواردی که در خاطر نسل جدید تورق می شود. پیگیری مجدانه مرحوم زنگویی در بحث اسپانسری مالی شاهین تحت عنوان پارس جنوبی بود که به یاد داریم شاهین پارس جنوبی در لیگ برتر چه خوش درخشید تا جایی که دو تیم بزرگ پایتخت را در مقاطع مختلف در بوشهر شکست داد. از آن پیروزی دلچسب برابر استقلال تهران در ضربات پنالتی از سری مسابقات جام حذفی گرفته تا برد غرورانگیز مقابل پرسپولیس در بوشهر ... همه وهمه را می توان مدیون آن بزرگ مرد بود. البته به نظرم مهمترین اصل که مرحوم زنگویی در شاهین اصیل بنا نهاد. صداقت، مردانگی، انسانیت بود که در رفتار و شخصیت خودش نیز جاری و ساری بود. در این جا، جا دارد یادی هم کنیم از مرحوم عبدالمحمد پوربهی و مرحوم عبدالرضا افشار که ایشان را هم در کنار مرحوم زنگویی می توان حکم ستون های اصلی باشگاه شاهین نامید. شاهین و شاهینی اصیل به داشتن چنین بزرگوارانی افتخار می کند.

حسن غریبی ورزشی نویس:



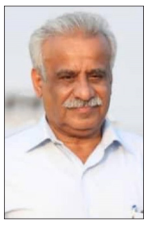
به عنوان یک هوادار فوتبال و از عاشقان شاهین بوشهر تمرینات تیم محبوبم را از دست نمی دادم. در زمین خاکی خیابان صدرا و یا زمین خاکی باغ زهرا همیشه محل تمرین شاهین مملو از هوادار بود من هم بعدازظهرها تفریحم شده بود دیدن تمرینات شاهین چه ایامی که سرمربی شاهین آقا جواد گرانبها بود و چه رضا ماهینی و احمد آقا تورانی، آن روزها گلچینی از فوتبالیست باکیفیت و شناخته شده برای شاهین بازی می کردند، زنده یاد زنگویی هم که مدیریت باشگاه شاهین برعهده داشت با کت وشلواری شیک و اتو کرده برتمرینات نظارت می کرد، یک روز در یک حادثه ای که برایم درمحل کارم شرکت صدرا پیش آمده بود، انگشت پایم آسیب دیده بود و مجبور شدم دمپایی پا کنم و همان روز تیم شاهین در ورزشگاه شهدا سه راهی عاشوری مسابقه دوستانه داشت من هم لنگ لنگان خودم را به مسابقه رساندم تا شاهد بازی تیم ام باشم تا رسیدم دیدم تنها سکوی ورزشگاه جا برای نشستن ندارد! یک لحظه صدای مهربان استاد زنگویی را شنیدم. او به من گفت بد نباشه پایت چرا بسته ای مگر مصدوم شدی! گفتم در محل کارم ضربه خورده به هرحال دستی روی سرم کشید و گفت از من این نصحیت گوش کن دیگر با دمپایی جایی نرو شخصیت آدم زیر سوال می رود، شما که از خانواده معروف شاهین هستید در بوشهر باید الگو باشید، این کلام ماندگار استاد زنگویی تا همیشه برای من درس شد و دیگر حتی تا درب حیاط خانه هم دمپایی نپوشیدم! فوتبال بوشهر دیگر خواب امثال عبدالمحمد زنگویی ها را خواهد دید.

علی عالی نژاد مدیرعامل باشگاه کارگر بنه گز:



جناب آقای زنگویی یکی از بزرگان فوتبال استان بوشهر و باشگاه شاهین بود کسی که تمام زندگی خود را با عشق و علاقه فدای ورزش فوتبال الخصوص باشگاه فرهنگی ورزشی شاهین نمود. شخصیتی که به عشق فوتبال و باشگاه شاهین اسم فرزند و تنها سرمایه زندگی خود را شاهین می گذارد. واقعا شخصیت بزرگی مثل جناب آقای زنگویی انگشت شمار بوده که با یاد آنها هم می توانیم تاریخ فوتبال استانمان بوشهر رابا افتخار ورق بزنیم و هم می توان زندگی سراسر ورزشی آنها را سر لوحه کار خود قرار داد تا آن جایی که زندگی فوتبالی آنها می تواند چراغ راه آینده فوتبال و ورزش ما باشد. افرادی مثل آقای زنگویی ثابت نمودند که شرط ماندگاری در فوتبال و قلب و ذهن مردم، جوانمردی، عشق و از خود گذشتگی و ... می باشد.

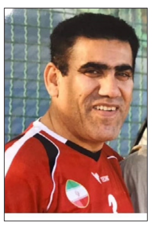
حسین طبیب نژاد مدیر عامل باشگاه دریانوردان بوشهر:



یادی کنیم از عبدالمحمد زنگویی به بهانه سالگرد کوچش از بزرگ مردی به تمام معنا از بازیکنی توانا در زمان شکل گیری پدیده ای به نام فوتبال در بوشهر. از مدیری مدبر در عرصه رهبری باشگاه بزرگ شاهین. روانش شاد و گرامی باد یاد و خاطرش که همیشه گشاده رو بود وخوش اخلاق.

رضا سیاهوشی ورزشی نویس:

زنگویی عاشق شاهین و شاهینی ها عاشق شاهین و زنگویی بودند و دلیلش هم برای همه واضح و روشن بود زیرا زنگویی بسیار خالص و بی ریا بود و

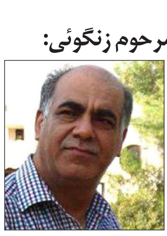


با عشق و جان و دل برای شاهین قدم برمی داشت، هرگز در باد و غرور «مدیریت» نبود و شاهین را به خاطر فقط شاهین دوست داشت.

امروز که این روزگار شوم نصیب شاهین شده، بیشتر افسوس از دست دادن زنگویی و جای خالی او را احساس می کنیم. یقین داریم که اگر زنگویی بود باشگاه، تیم، املاک و اموال شاهین این حال و روز نداشت! او هیچ وقت اجازه ورود افراد نالایق به باشگاه و یا نزدیک شدن به تیم نمی داد. شاهین با آقا بالاسری مثل زنگویی استوار و پایدار بود و احساس غرور می کرد، مدیری نمونه و دلسوزی که در هیچ دانشگاهی درس مدیریت نخوانده بود اما بسان یک استاد به تمام معنا روش و کار مدیریتی انجام می داد که گویی انگار مدیر زاده شده بود. جا دارد در سالکوچ این بزرگمرد نازنین، یادی هم از زنده یادان دیگر نماییم که به نوعی زندگی خود را وقف شاهین نمودند و یا به عنوان بازیکن و هوادار در باشگاه فعالیت داشتند.

عبدالرضا افشار، عبدالمحمد پوربهی، حاج علی توکلی، حسین توکلی، عمه طلا توکلی، سید اسماعیل برزگر، جواد گرانبها، احمد تورانی، غلام بوالخیری، محمدرضا خجسته، عباس سالا، هوشنگ ثابت، عالي غريبي، علی مصلح، ابراهیم مرشدی، مختار مبارکی، غلام حیدری، هادی فکی، محمد صالحی زاده (محخال) محمد غریب زاده (فرزند یوسف) و با پوزش از بستگان دیگر عزیزانی که نامشان از قلم انداختم. روانشان شاد و یادشان مانا.

شاهین زنگویی فرزند مرحوم زنگوئی:



ادب واحترام خدمت همه بوشهری ها با سلام و درود به همه اهالی ورزش بوشهر به خصوص فوتبالی های گرامی. از این که شما سروران بزرگوار در همه این سالها به یاد پدرم بودید و یاد ایشان را زنده نگه می داشتید نهایت سپاس و قدردانی را دارم. اینک که در پانزدهمین سالگرد این عزیز قرارداریم، خواستم با نگارش چند خط، ادب واحترام را تقدیم همه بوشهری ها به خصوص شاهینی ها و ایران جوانی کرده باشم. بی شک روح پدرم ازاین همه لطف شما، سرمست و شاد خواهد بود.

مجید چاهی بخش؛ نجیب زاده ای بی بدیل

ابراهیم مهدی زاده



سال های دهه چهل در بوشهر، باشگاه ورزشی ایرانجوان برای تربیت فوتبالیست های جوان و جدید، احساس نیاز کرد و با تشکیل تیم خردسالان راه را برای پرورش نسل جوان هموار نمود و باشگاه این مهم را در دستور کار خود قرار داد. این تصمیم علمی و آکادمیک را از دبستان های پسرانه شهر آغاز کردند. از شانس خوب ما، مربی این تیم در مدرسه ما، دبستان ملی سعادت جناب حمید نبوی بود که معلم کلاس چهار ما نیز بود. با دو تومان به عضویت تیم خردسالان باشگاه ایرانجوان درآمدیم و با تهیه لباس و کفش از فروشگاه زنده یاد «پورصباغ» شبی را از خوشحالی و ذوق تا صبح خواب به چشمانم نیامد. روز ثبت نام آسید علی مصطفوی بدون توجه به آشنائی خانوادی، مسائل انضباطی و شرایط اخلاقی باشگاه، توضیح و سه جلسه تمرین و آموزش اولیه را یادآوری و حفظ توپ و اموال باشگاه را شرط اول به شمار آورد. باشگاه ایرانجوان در محله "کوتی" رو به روی درخت تناور میدان فیروزی بود. اما تمرین و سهم باشگاه از استفاده از استادیوم سه روز دوشنبه، چهارشنبه و جمعه بود مگر مسابقه رسمی یا بین شهری مثلا از تهران یا آبادان بود که تعطیل اعلام می شد.

این شروع، آغاز حضور روزهای غیر تمرین در باشگاه نیز شد. عصرها پس تعطیلی مدرسه یک راست به باشگاه آمده و گاه به بازی پینگ‌پنگ و تماشای والیبال بزرگسالان در زمین شمال باشگاه و تماشای تمرین کشتی سپری می شد. در این حضور با افراد با سن های متفاوتی آشنا شدم و گاه به نظرگاه ها و سخنان دبیرستانی ها و اخبار ورزشی تهران و هنری و سینمائی نیز گوش فرا می دادیم که برایمان تازگی و جذبه ی خاصی داشت. زنده یادان محمد علی برزین، مجید چاهی بخش، حمید راستیان و جوان ترها حمید چاهی بخش، حسین صالح پور، نادر اقدام، ماشالله فروزانی، محمود مشفقیان، آل یاسین ها ... دوستانی بودند که ما با



آنها مدام در تماس و با اطلاعات آنها نه تنها از اخبار ورزشکاران ایرانی و خارجی بلکه معلومات عمومی هم بر اندوخته های خود می افزودم و بلکه گاه به رده های پایین تر و هم کلاسی های غیر باشگاهی خود نیز منتقل می کردیم.

در این میان مجید چاهی بخش یک استثناء بود. او همه را می دید. این دیدن، به گمان من یک فروتنی ذاتی بود. بعدها دانستیم که این اطلاعات نیز از دریافت ها و نتیجه نشست و برخاست او با دبیران مدارس بزرگسالان و بنیان گذار باشگاه که خود روزگاری دبیر ورزش آموزشگاه های استان بوده فراهم می گردید. آن مربی باشگاه و دبیر سابق دبیرستان ها کسی نبود جز استاد «علی اکبر کبگانی» که مورد بی عنایتی مسئولان و اداره



تیم منتخب بوشهر سال۱۳۴۴

ایستاده از راست: زنده یاد یدالله خراجی، زنده یاد غلامرضا بوالخیری، دکتر حسن قاسمی، زنده یاد محمدرضا سلیان، زنده یاد مجید چاهیبخش، محمدعلی درویشی (دلو)، احمد رزمی، زنده یاد اکبر کبگانی (مربی)
نشسته از راست: محمدرضا محمدی، زنده یاد حسن جمالی، حسین ماهینی، غلام پورچنگی، زنده یاد احمد تورانی، باقر کرمی، زنده یاد محمدعلی برزین، زنده یاد عباس سالار

کنندگان مرکز فرمانداری ک بنادر و جزایر خلیج فارس و دریای عمان بود و تا حدی که اگر پادشاه برای بازدید به این ناحیه می آمد نامبرده برای چند روز در جایی نگه می داشتند تا تشریف فرمایی تمام شود، بعد او را رها می کردند. این گپ و گفت های غیر قابل بازگو توسط این دوستان ناخواسته و گاه فال گوشانه به ما نوجوانان آن روز منتقل می شد و این رو، ذهن رو به گسترش ما را، به افق های دیگر و به کنکاش و چرایی و سوال های متعدد سوق می داد. در این میان مجید چای بخش برای ما گذشته از جایگاه بازیکن و بعدها کاپیتان تیم فوتبال ایرانجوان و منتخب بوشهر، شخصیتی قابل احترام و مرجع بود. این شخصیت ممتاز و بی تکلف و تحویل گیرنده نوجوانان، از او تصویری الگو مانند ساخته بود که گاه رشک انگیز بود. این نقش حتی گاه برای باشگاه های رقیب ایرانجوان هم قابل تعمیم بود. مجید رابطه خوبی با مدیران و بازکنان باشگاه شاهین، پاس و تاج آن روز داشت. این شخصیت کاریزمائی مجید، یک محبوبیت استانی نیز برای او به ارمغان می آورد. مخصوصا نگاه او به شهرستانهای برازجان، خورموج، دیر، گناوه ...تا گاه مدیران باشگاههای شهرستانهای دیگر برای خواسته خود، از متولیان ورزشی، به او مراجعه می کردند. این آشنایی نتیجه تماس و حضور او از بازی های آموزشگاهی استانی و منتخب بوشهر به دست می آمد. گاه دیده بودم که به رسم یادبود هدیه هایی برای بازیکنان باشگاهی های تهرانی و خوزستانی پست می کند و از آن



طرف هدایی نیز برایش می فرستند.

این رابطه انسانی حاصل نگاه و باور انسان مدارانه زنده یاد مجید چاهی بخش هرگز نزد اهالی بوشهر و کشور فراموش نمیشود. شاید برایتان غیر قابل باور باشد که رمان های معروف خارجی و ایرانی من به کرات نزد مجید دیده بودم. یک بار رمان "ابله" داستایوفسکی و "تنگسیر" چوبک و "چمدان" بزرگ علوی جیبی را از ایشان به امانت گرفتم



تا بخوانم. در آن دهه بر اساس تقسیمات کشوری، میان استانها و فرمانداری های کل، مسابقات رشته های مختلف در جریان بود. در یک تورنمنت چهار تیم منتخب استانی و فرمانداری کل، به مرحله پایانی رسیده بودند که عبارت بودند از بوشهر، کرمان، تهران و خوزستان. بوشهر با پیروزی بر کرمان و تساوی با خوزستان و باخت از تهران سوم شد. مجید چاه بخش تعریف می کرد شب بازی با خوزستان زنده یاد احمد تورانی و احمد رزمی بیشترین استرس را داشتند با این که اصالتن خوزستانی بودند. زنده یاد احمد تورانی تمام سعی و جدیت خود را بکار گرفته بود تا گلی به دروازه حریف زده شود.

زنده یاد اکبر کبگانیان از میان دو دروازه بان آماده، تمایل به محمدی دروازه بان شاهین داشت تا پورچنگی دروازه بان ایرانجوان که بازیکن خودش بود و چیزی از محمدی کم نداشت.





این نگاه خردمندانه استاد کبگانی، قطعا از مشاورت مجید چاهی بخش بی نصیب نبود. این جاست که می‌گویند هیچ محبوبیتی بی دلیل نمی شود.

مجید عاشق خانواده و همسر فرهنگیش سرکار خانم حسن پور و بوشهر بود. این عشق را تا لحظه های آخر عمر با خودش داشت. در سفری به بوشهر یک دیدار با او میسر شد. یک سال قبل از فقدانش نیز به عینه دیدم. آن روز اتفاقی، در دروازه، عباس شریفیان را دیدم و بعد از احوال پرسی، سراغ مجید را گرفتم. گفت همین حوالی ست اگر تمایل داری برویم به دیدارش. گفتم با کمال میل. در خیابان ایستگاه نرسیده به چهار راه، دفتری داشتند با برادر گرامیش حمید به گمانم در کار بیمه. دیداری بسیار خاطره انگیز و به یاد ماندنی شد. آخرین تقاضایش آن بود که خاطرات آن دوران را بنویسم مخصوصا در مورد استادش زنده یاد اکبرکبگانی و هم محله مان محمد علی برزین و زمان ساختن باشگاه در کنار پرورشگاه ساحلی و جلب سیاحان که روز های جمعه تمام ورزشکاران از همه رشته ها و هواداران برای کار یدی و ساختمانی، فرغون به دست تا پاسی از شب کار می کردیم تا باشگاه ایرانجوان بوشهر، ساخته و سر و سامان بگیرد. میان هواداران، دبیران مدارس، کارمندان دولت، دانش آموزان، تجار، مدیران فروشگاه ها، راننده های



تاکسی، جاشوان، ملوانان لنج های مسافربری، تالیِ منِ هایِ بارشِمار اسکله و بارانداز، حضوری چشَم گیریَ داشتند. در این میان، حضور برادران چاهی بخش از صفر و محمد... تا آخرین برادر مجید، پررنگتر از بقیه بود. علاقه مجید به بوشهر و ایرانجوان آگاهانه و با برنامه بود و در این راه تمام سرمایه خود، خواه تنها خانه و اعتبارش بی دریغ صرف کرد. یاد و خاطره اش جاودانه باد.

موسیقی شادی یا غم ، اشک یا لبخند!؟

عباس شاهپیری



بر اساس پژوهش های انجام شده، محققین و روانشناسان اگر به موسیقی شاد گوش دهید، بیشترین تاثیر را روی روحیه شما می گذارد. موسیقی شاد در عین حالی که می تواند ضربان قلب و ریتم تنفس را افزایش دهد، قدرت صبر و حوصله را نیز بالا می برد. همین باعث می شود که روحیه انسان برای تحمل سختی ها و مشکلات، آمادگی بیشتری داشته باشد و مقاومت آن بالا برود. بنا به گفته پزشکان روانشناس، موسیقی های شاد باعث بهبودی در خلق و خوی افراد و افزایش احساس شادی در آنها می شود. در نتیجه فرد، مقاوم تر و شکیبا تر می گردد و تلاش می کند اوضاع سخت را با روش موثرتر و مثبتی بهبود بخشد.

همچنین بر اساس علم پزشکی، یکی دیگر از هورمون هایی که با گوش دادن به موسیقی شاد در بدن ترشح می شود، هورمون سروتونین است. این هورمون یکی دیگر از هورمون های موثر در شادی و خوشحالی افراد می‌باشد. هورمون سروتونین یک انتقال‌دهنده عصبی و تقویت کننده خلق و خو و ضد افسردگی قوی است و لذا می توان از موسیقی شاد به عنوان مهارکننده گزینشی سروتونین بهره ببریم.

در همین راستا، بسیاری از محققین اعلام کرده اند، همانطوری که بدن هر روز به آب و غذا و ویتامین ها و ریز مغذی ها نیاز دارد تا عملکرد خوبی داشته باشد، روحیه انسان نیز برای این که در اوج بماند و خراب نشود و البته تقویت شود، نیاز به موسیقی شاد و فرحبخش دارد. بر اساس تحقیقی که گروهی از محققان در سال ۲۰۱۵ منتشر کردند، دریافته بودند که افراد افسرده، موسیقی غمگین را به موسیقی شاد ترجیح می‌دهند و همین امر نشان می‌دهد که این انتخاب عاملی است برای پایین نگه داشتن هیجان آن ها و در نتیجه سکون و بی تحرکی.

بسیاری از فیلسوفان، متفکران و ادیبان، از جمله اپیکور و خیام، برای برانگیختن حس شادمانی در ما، مرگ را به یادمان انداخته‌اند و گفته‌اند: چون روزگاری دیگر روی این زمین نخواهیم بود، اکنون باید قدرِ حضور را بدانیم و خوشحالی کنیم:

خیام اگرَ ز باده مستی خوش باش
با ماه رخی اگر نشستی خوش باش
چون عاقبت هستی ما نیستی است
انگار که نیستی چو هستی خوش باش

در واقع، ساز و کاری که خیام برای برانگیختن شادمانی به کار می‌برده، این است که به ما و خودش یادآوری کند که در نهایت همه ما از بین می رویم و لذا شادی را می بایست سرلوحه زندگی مان نماییم.

بسیاری از محققین اشاره می کنند که تلاش برای داشتن زندگی شاد دستاوردهایی فراتر از خوشی و لبخند زدن دارد و می‌تواند روی جنبه‌های مختلف زندگی فرد تأثیر بگذارد. از جمله این که شاد بودن و شاد زندگی کردن باعث می‌شود که: سلامت ما به معنای گسترده‌ی افزایش پیدا کند.

آری، شادمانی قلب ها را به یکدیگر نزدیک و ترس، نگرانی، ناکامی و بدگمانی را بی اثر می کند. در کل عامل تقویت اراده انسان می‌شود. به امید اینکه در این احوال غمبار، از شادی و لبخند فراموش مان نشود. نوازندگانمان موسیقی شاد بنوازند. ورزشکاران مان بعد از پیروزی جشن شادی راه بیندازند و مردم به جای غم و اندوه، شادی و لبخند را بر چهره و دل خود نقش ببندند ...

که خیام عزیزمان می‌فرماید : ای دوست بیا تا غم فردا نخوریم/ وین یکدم عمر را غنیمت شمریم فردا که ازین دیر فنا در گذریم/با هفت هزار سالگان سر بسریم.

مدینه فاضله گمشده

حمید حیدری

مدتهای مدیدی است که موضوع مهمی فکر و ذهنم را به خود مشغول کرده است. موضوع آن قدر مهم و حیاتی است که عدم پرداختن به آن گناهی نابخشودنی و بلکه رنج آور است. باید دید که افکار جامعه به کدام سو سوق یافته و اولویت های آن کدام هستند؟ جامعه پویا و زنده که بتواند رنج های خود را چاره سازد و امید و نشاط را بر تاریکی ها چیره گرداند. چنین جامعه ای نیازمند به سلامت ذهن و روان است. روان سالم و آرام به دنبال نشاط و شادی می آید. مردمی که در چنین جامعه ای زندگی می کنند، خوشبخت ترین و سالم ترین مردمان کره خاکی می باشند رسیدن به چنین وضعیتی چندان سخت و دور از دسترس نیست و نظام هایی که بر پایه رضایت قلب مردم بنا شده سال ها پا بر جا می مانند. و نظام های سست و تهی از معرفت، محکوم به فنا هستند. صحبت و موضوع کلیدی و حیاتی، داشتن نظام آموزش علمی پویا و برتر و فارغ از شعار و شور و گذراست.



دولت ها یکی پس از دیگری بر سر کار می آیند و هر کدام شعار برتری جویی دولت خود را داشتن نظام آموزش علمی پیشرو و نمونه و کارآمد عنوان می کنند! اما آن چه در واقع دیده و لمس می شود، تفاوت های آشکاری با اصل قضیه دارد! باید دست از شعارهای بی نتیجه برداریم و نظام آموزشی علمی که از درون آن فرزندان نخبه ایران زمین، خارج نشوند را تاسیس کنیم. نظام آموزش علمی که در آن حرف زدن، سوال کردن، جست و جوی حقیقت، مطالبه گری جرم نباشد و کرامت افراد، سلامت روان و امید به آینده، هم چون امواج خروشان از دستاوردهای اساسی آن باشند.

زمانی که دست اندرکاران نظام آموزش علمی کشور که به اختصار وزارت آموزش و پرورش نامیده می شود دغدغه آب و نان دارند، رسیدگی به وضعیت درمان و مسایل رفاهی و حفظ احترام و کرامت افراد که بدیهی ترین وظیفه یک نظام آموزشی در قبال زیرمجموعه خود شامل معلمین، مدیران، اساتید و کارمندان است کوتاهی بورزد، چگونه می توان به بالندگی و پیشرفت و اثرات درخشان چنین نظم آموزشی، ایمان و اعتقاد داشت؟! در نظم علمی کنونی کشور که در چارچوب وزارت خانه آموزش و پرورش وظیفه توسعه، پیشرفت و بالندگی جامعه علمی کشور را بر عهده دارد، تعاریف نامشخص از ویژگی های یک آموزش عالی در سطح جهانی به وضوح به چشم می آید!! زمانی که مدیران ارشد وزارت آموزش و پرورش در دهه های گذشته برای این که پیشرفت دوره وزارت خود را به داشتن تاکتیک های ناب آموزشی گره بزنند، شبیه ضرب المثلی عمل کردند که می گوید: خواستند ابرویش را اصلاح کنند، اما چشمانش را هم کور کردند!! سال ها پیش از این درس خواندن برای فرزندان این آب و خاک، لذت داشت. والدین می توانستند در امر تحصیل فرزندان خود مشارکت کنند. کتاب ها و متون درسی لبریز از عشق و تلاش و برابری و صداقت بود. اما همان تاکتیک های ناب مدیران ارشد، چنان شکاف عمیقی در پیکره نظام آموزش علمی کشور به وجود آورد که تنها منابعی که می شد به آن رجوع کرد، حضور در کلاس های جبرانی و هزینه بری بود که برای خانواده مهیا شده بود و جالب تر این که نظام آموزش عالی کشور، مروج آن بوده و در مدارس، پیگیری و دستیابی به خوشبختی، تنها راه و مسیر همین موضوع بود!! مدرک گرایی و قبولی با هر شرایطی، بلاتکلیفی محصلین و کادر آموزشی، ساعت های خالی فراوان در مدارس، طرح های ناموفق هم چون پیش دانشگاهی، جایگزین کردن معلمین و اساتید در پایه های مختلف درسی آن هم بدون برنامه ریزی و دقت عمل، عدم رتبه بندی و دیر عمل کردن آن به دلیل قانون های دست و پا گیر معمول، عدم تشویق مادی و معنوی معلمین و مدیران نمونه، دخالت های گاه و بی گاه در امور مدارس به جای کمک و مساعدت، تصمیم گیری های کلان در موضوعات مهم و اساسی به جای محصلین و خانواده های آنان توسط مدیران ارشد نظام آموزشی علمی کشور و قانونمند کردن آن با تاکیدان فراوان به مدیران مدارس در جهت پیاده کردن فوری آن!! به عنوان مثال همراه داشتن یا نداشتن گوشی موبایل در مدارس توسط محصلین به یک مسئله و افت تبدیل شده است !! ابزاری که با برنامه ریزی و خلاقیت می توان از آن به عنوان یک موهبت در جهت تربیت نسل آینده کشور بهره برداری نمود. همین مسائل به ظاهر کوچک، متأسفانه موجب شکاف عمیق ارتباطی میان خانواده، مدرسه، محصلین، اولیاء و مربیان شده است!

محیط آموزش علمی کشور باید هر چه سریعتر از فرسودگی علمی فاصله گرفته و عشق و نشاط به فراگیری تحصیل، جایگزین آن گردد. مسئله اساسی دیگر که متأسفانه به آن توجه کافی و لازم نشده است، موضوع پژوهش می باشد. عنوان کنونی نظم علمی کشور موسوم به آموزش و پرورش است.

دو مقوله ای که معنای واحد و همسانی دارند و هر کدام از یک ریشه سخن می گویند. آموزش به معنای فرا گرفتن، تعلیم دادن، تدریس کردن و یادیگری است. پرورش نیز همین معانی را یدک می کشد. پرورش یعنی تربیت کردن، تعلیم دادن، پروراندن و ریشه دادن است. آیا مسئولین ارشد کشور باید برای عنوان گذاری وزارت خانه های مختلف، تنها با هم قافیه بودن و زیبا بودن عبارات بیندیشند!؟ در حالی که جامعه ی علمی کشور در کنار آموزش، نیاز مبرم به مقوله پژوهش دارد. آموزش و پژوهش دو مقوله جدایی ناپذیر و دو دژ تسخیرناپذیر جهت پیشرفت و گسترش اهداف عالی کشور می باشند. پیوند آموزش و پژوهش و تولد سازمان با این عنوان موجب رفع کاستی ها و کمبودهای موجود خواهد گردید. فرزندان ایران زمین با هوش هستند و از ادراک و توان بالایی برخوردارند. کرامت گذاشتن به نسل آینده، اولین قدم در مسیر سلامت نظام آموزش علمی کشور است. اطمینان قلبی به کادر نظام مدیریت علمی کشور، دومین گام در مسیر شکوه و سعادت است. هدفمندی و حرکت روان و مستقیم نظام علمی کشور و پاسخگویی شفاف نسبت به سوالاتی از قبیل چرا درس می خوانیم؟ هدفت ازدرس خواندن چیست؟ با درس خواندن در جست و جوی چه هستیم؟ و ... فرزندان ایران زمین بسیار باهوش هستند و مهیا کردن زمینه جهت دست یابی به مدینه فاضله ای به نام آموزش و پژوهش که سازمانی پویا و پیشرو می باشد، حق طبیعی آنان است.

سوختگی سالانه ۱۰۰هزار کارگر

رئیس بیمارستان شهید مطهری تهران با تاکید بر لزوم رایگان‌شدن هزینه درمانی سوختگی برای تمام اقشار جامعه می گوید، سالانه ۳۰هزار نفر در تهران دچار سوختگی می‌شوند که حدود یک‌سوم آنها کارگر هستند. یعنی برآورد می‌شود سالانه حدود ۱۰۰هزار کارگر در ایران دچار سوختگی می‌شوند.

به‌گزارش ایلنا، مصطفی ده‌مرده‌ای در توضیح بیشتر درباره آسیب‌های ناشی از سوختگی بر سلامت و زندگی کارگران گفت: «سالانه ۳۰هزار نفر در تهران دچار سوختگی می‌شوند که حدود یک‌سوم آنها کارگر هستند. البته آمارها نشان می‌دهد، در کل کشور سالانه ۳۰۰هزار نفر به سوختگی دچار می‌شوند که می‌توان این نسبت را به سطح کشور نیز تعمیم داد؛ یعنی برآورد می‌شود سالانه حدود ۱۰۰هزار کارگر در ایران به سوختگی دچار می‌شوند، این درحالی‌است که تقریبا همه افرادی که دچار سوختگی می‌شوند، به‌خصوص کارگران، دچار مشکلات مالی شدیدی هستند که نه از پس تامین هزینه‌های درمانی سوختگی برمی‌آیند، نه می‌توانند مخارج بعد از درمان اولیه خود را تامین کنند.»

شنیدن سخن معترضان

اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور در دولت‌های یازدهم و دوازدهم به روزنامه جمهوری اسلامی گفت: «امروز هر انسان دغدغه‌مند نسبت به آینده ایران، چه در حکومت و چه در جامعه باشد، باید با فهم درست انتقادها، اعتراض‌ها و خواسته‌های ملت، ضرورت اصلاح و تغییر را بپذیرد و از افتادن کشور در چرخه خشونت به سهمِ خود جلوگیری کند. باید سخن همه مردم خصوصاً مردم معترض و ناراضی را به درستی شنید.» وی در ادامه افزود:«اگر هاشمی‌رفسنجانی امروز بود به عنوان مدیری همه‌جانبه‌نگر و آینده‌نگر، با کوله‌باری از تجربه و شناخت عمیقی که از ایران و مسائل بحرانی آن داشت، به‌مثابه مشاوری دلسوز برای رهبری و جامعه، راه برون‌رفت از بحران کنونی را در جلب مشارکت تام و تمام مردم در حل مسئله می‌دید.»

۱۲؛ میانگین معدل دوازدهمی‌ها

رئیس مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش‌وپرورش گفته است، میانگین معدل امتحانات نهایی تمام دانش‌آموزان پایه دوازدهم در سال تحصیلی گذشته، ۱۲/۰۳بوده است. محسن زارعی دراین‌باره گفت: «در رشته‌های ریاضی و علوم‌تجربی مقداری رشد و در رشته‌های گروه معارف و علوم‌انسانی کمی کاهش داشتیم؛ اما روی‌هم‌رفته می‌توان گفت، خردادماه امسال یک رشد جزئی در معدل دانش‌آموزان داشته‌ایم.» او درباره سطح علمی دانش‌آموزان دبیرستانی باتوجه به نتایج حاصل از امتحانات نهایی خردادماه سال‌جاری (نتایج پایانی سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰) گفت: «تحلیل درس‌به‌درس امتحانات نهایی از آبان‌ماه با همکاری دبیرخانه دروس و گروه‌های آموزشی، در حال انجام بوده است. به‌عنوان مثال تا آبان‌ماه، تحلیل امتحان درس فیزیک در رشته ریاضی‌فیزیک و علوم‌تجربی انجام شد. میانگین معدل امتحانات‌نهایی تمام دانش‌آموزان پایه دوازدهم در سال تحصیلی گذشته، ۱۲/۰۳ بود. در ریاضی و علوم‌تجربی مقداری رشد و در گروه معارف و علوم‌انسانی کمی کاهش داشتیم اما روی‌هم‌رفته می‌توان گفت، خردادماه امسال یک‌رشد جزئی در معدل دانش‌آموزان داشتیم.»

اهدای عضو در استان بوشهر جان سه بیمار را نجات داد

رئیس مرکز فراهم آوری اعضای پیوندی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر گفت: اهدای عضو یک بیمار ۳۷ ساله مرگ مغزی در این استان جان سه بیمار نیازمند عضو را نجات داد.

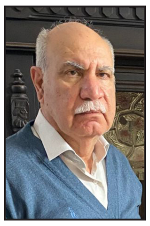
بازار معروف آهنگران در شهر بوشهر قدیم

غلامرضا شریفی خواه

بازار قدیم بوشهر یکی از بازارهای سنتی ایران به شمار می رفت که دو راسته اصلی و مشهور در آن وجود داشت، یکی حاج محمد آقا بوشهری ملقب به معین التجار و دیگری حاج عبدالرسول طالبی ملقب به رییس التجار که حاج رییس در بوشهر سرشناس بود. این بازار از بخش هایی و با توجه به مشاغل متعدد تقسیم شده بود که برای رفاه و راحتی مردم شهر و ساکنین اطراف، بتوانند مایحتاج خود را خریداری کنند و هر قسمت معرف بازاری بود: مانند بازار میوه و تره بار، قصاب ها، ماهی فروشان، رنگرزها، قالی فروشان، آهنگری ها، کلاه دوزان، طلا فروشان، خیاط ها، مرغی ها. اما موضوع این نوشته در نسیم جنوب دربارهٔ بازار آهنگران است که در چهارسو بازار رو به روی بازار مرغی ها واقع، و چند پله بالاتر به طرف ضلع شرقی بازار تا انتها به سوی دریا، قرار داشت. در این بازار در نیمه دهه چهل خورشیدی کاسبانی مؤمن و شریف به کسب و کار مشغول بودند؛ در سمت راست ابتدا دکانهای مشهدی حسین عطار، سید علی امامزاده ای بقال، کل محمود عزیززاده بقالی، مشهدی علی رفاهی عطاری، مشهدی کل محمد باقر گیوه فروش، دکان پدرم مشهدی عبدالکریم که بقالی داشت، علی رستمی که تشک و لحاف دوزی میکرد، پدربزرگم (آبوا) که دکان بقالی داشت و مشتری هایش اغلب از مردم جزیره های اطراف شهر بودند و دیگر قنبر علیزاده هم بقال بود. زایرحسن با سن بالایی که داشت با عصا در دست دکان بقالی داشت و دو برادر مؤمن به نام های غلامعلی و رجب صالح پور هر دو به شغل بقالی مشغول، آنان با فرزندانشان از خادمین در مسجد دهدشتی بودند و بعد دکان محد ابریم جیگری (محمد ابراهیم ارشدی زاده) جیگر سرسیخی یا کبابی و هم پخت جیگر دو پیازه ای معروف او که خوشمزه بود و علاقمندان زیادی برای خوردنش به این دکان می آمدند و قهوه خانه باصفای عبدالله، کاسبانی بودند که صبح ها از اطراف شهر مانند امامزاده، باغ ملا، تنگک، ریشهر، لیل و ... با هر وسیله ای که داشتند به بازار شهر می آمدند و عصرها به خانه برمی گشتند. شلوغی و خرید مردم در بازار بیشتر تا قبل از ظهر بود.


بازار قدیم بوشهر

در سمت چپ همان قسمت بازار ابتدا دکان خلیل مخصوص معروف به خلیل قصاب، در آن دوران قیمت گوشت تازه گوسفندی هفت تومان و گوشت بز شش تومان بود و بعد دکان حاج یحیی خالوزاده که میوه فروشی می کرد و از بزرگان محله دهدشتی به شمار می رفت. استاد علی فخرزاده که یکی از بهترین سازنده گیوه و ملکی بود. سیدمحمد رضا امامزاده ای بقال و میرزایی، دکان خرازی و اسماعیل سینگر استاد در دوخت انواع لباس ها (میدان سینگر درشهر بوشهر به یاد ایشان معروف است) و حاج حسین کمبالی رنگ فروش و میرزا احمد عطار دکان عطاری داشت. سلمونی مشهدی اسماعیل تقدیری، عباس پورشمس فروشنده و سازنده انواع کلاه ها و حاج اسماعیل یزاف فروشنده ماهی خشک و نمک زده و ماهی حشینه به صورت عمده و جزئی.



در آخر بازار مغازه های آهنگران با پیشینه باستانی شروع می شد. جعفر بخار معروف به جعفر آهنگر که مداح اهل بیت هم بود و سرکرده آهنگران در بازار و اولین کسی که دستگاه جوشکاری در این حرفه داشت و دیگران شامل کل چراغ حراقی و باقر آهنگر برادر جعفر در آخر بازار، کل مندنی کاوه ئیان که دکانش کنار مسجد نمکی پشت بازار و ایشان دارنده بزرگترین وسنگین ترین سندانِ آهنگری بود که همیشه در بیرون از دکان بر روی سکّو قرار داشت و فرزندش حسین کاوه ئیان آن سوی دیگر که آخرین بازمانده از آهنگران قدیمی بود و با درگذشت او کم کم این شغل به فراموشی رفت. ابزار آهنگری (چکش، انبر، سندان، سمبه) و دستگاه کوره که آهن را گرم و سپس ذوب می کرد و دستگاه دیگری به نام «دَم زدن» که اغلب بچه ها مشغول به این کار بودند و به وسیله آن دمیدن هوا را به کوره انتقال داده و اُوسای آهنگر، آهن گداخته را با انبر بر روی سندان قرار می داد. شکل سندان ها طوری بود که به راحتی می توانستند ابزار دلخواه را بسازند. شاگرد و همکار استاد افرادی جوان و برومند بودند زیرا به وسیله پُتک و با نگاه کردن و اشاره به چکش در دست اوسای خود می فهمیدند که به کجای آهن گداخته ضربه وارد کنند. آنان اغلب قلاب پنکه، داس، قطعات لنج ها، انواع میخ ها بخصوص میخ جهاز (لنج)، میخ طویله، میخ قپه ای و کارهای تعمیراتی و برای پسر بچه ها ماشین و یا گاری سیمی که از مفتول سیم باریک و با فرمانی بلند، درست می کردند که در کوچه های محل بازی و سرگرم باشند. هر رهگذری در این قسمت بازار بر چیره دستی و خلاقیت این آهنگران که انسان هایی زحمتکش بودند نگاه می کردند و آنان تولید کننده لوازم زندگی با دستان هنرمند خود بودند و صدای چکش بر سندان برای افراد بزرگ آن اهالی عادت و برای کودکان نغمه لالایی بود.

همچنین در بازار دکان جمشیدی اهل شیراز که عمده فروش و در شغل خرازی فعالیت می کرد و انسانی خوشنام و باانصاف بود. در روبه روی دکان خالو محد دوغی (اسماعیل کامران) که دوغ مشت با طعم نعناع در خِیک (مشک) در همان جا درست و به مشتریان عرضه می کرد و این بزرگوار یک کاسه چینی که حاوی سنگ نمک بلوری و آب بود روی میز می گذاشت تا کسانی که دوغ نمکین میل می کردند چند قاشقی از آن استفاده کنند و در صلات ظهر اذان گوی بازار بود و در آخر دکان میرغلوم دلاک (میرغلام بختیاری نژاد) که ایشان علاوه در کار سلمونی، ختنه بچه ها را انجام و در نواختن ساز نی انبان ماهر بود و در جشن ها موجب شادی و نشاط مردم می گردید.

بازاریان در روزهای اعیاد مذهبی پرچم مربوط به آن مراسم را بر سر دکان نصب و مردم را به خوردن نقل و شیرینی و شربت دعوت می کردند و در مراسم های عزاداری هم در مساجد شرکت داشتند، مقید به دادن خمس و زکات بودند.

در بازار به وقت خرید مردم، صداها و نواهایی، طنین انداز بود از جمله دکانداران، فروشنده های دوره گرد و نقالان یا پرده خوانان در قهوه خانه ها و میادین، و افرادی که در کسوت و ظاهر درویشی در مدح حضرت مولا علی و یا اشعار حماسی شاهنامه می خواندند.

روح این بزرگواران متوفی شاد و یادشان تا ابد گرامی باد.

به یاد شادروان حسین قائدی فوتبالیست بوشهری

محمد دوانی

مرحوم حسین قائدی از زمان تحصیل در مدرسه و محل در شهر بوشهر، به شدت به فوتبال علاقه داشت و تا آخر عمرش نیز این علاقه را حفظ کرده بود. آن مرحوم در تیم محله سنگی در مسابقات مختلف محلی و مسابقاتی که از طرف هیئت فوتبال برگزار می شد شرکت می کرد.

با تیم محله شرقی و محله غربی سنگی (توحید) همراهی داشت و یک بازیکن مؤثر بود. پس از اتمام تحصیل به استخدام نیروی هوایی درآمد و در تهران به عضویت تیم عقاب درآمد و تا زمان حضور در تهران در تیم عقاب بازی می کرد و با تعدادی از بازیکنان آن تیم ارتباط دوستانه خوبی برقرار کرده بود.



خیلی زود از طرف فرماندهان و متولیان



سرویس هواپیماهای نظامی به عنوان یک نیروی خلاق و علاقمند و با وجدان کاری زیاد شناخته شد و مورد توجه قرار گرفت. خدمات وی زبانزد همه همکاران بود. حتی پس از بازنشستگی و در زمان جمهوری اسلامی، وی دعوت به کار شد و با توجه به نیاز پایگاه های مختلف نیروی هوایی کشور اعزام می شد و خدمات ارزنده ای انجام می داد.

حسین پس از بازگشت به بوشهر با همراهی چند نفر از همکاران و دوستانش به تیم توحید پیوستند تا یاد و خاطره زمین های خاکی و تیم محله سنگی را احیا کند. حسین تا پایان فوتبالش در تیم توحید بازی می کرد و در فاصله چند سال حضورش در فوتبال بوشهر در تیم های پاس (محله شیخ سعدون) و سکان بوشهر هم بازی کرد و باز هم پس از چندی به تیم خودش یعنی توحید برگشت و پس از آویزان کردن کفش هایش در مسابقات رسمی در تیم پیشکسوتان توحید و بیشتر در تیم پیشکسوتان بوشهر بازی می کرد تا از ورزش جدا نشود.

ضمن ارج نهادن به تلاش ها، همکاری ها و خدمات آن عزیز، از خدای بزرگ برای آن مرحوم طلب آرامش و آمرزش داریم. امید است خدای مهربان آن مرحوم را با صالحان محشور نماید.

مسکن غیرقابل پیش‌بینی شد

روند قیمت‌ها و معاملات مسکن به‌گونه ای است که هیچ پیش‌بینی مشخصی نمی‌توان از بازار مسکن ارائه داد. سیدمحمد مرتضوی، رئیس کانون سراسری انبوه‌سازان با بیان این که تقاضای مصرفی از بازار مسکن خارج شده است، گفت: «بازار مسکن ناپایدار است و باعث بلاتکلیفی سرمایه‌گذاران شده است.» او با بیان این که کاهش یا سقوط صدور مجوزهای ساختمانی انگیزه و اشتیاق سرمایه‌گذاران و سازندگان برای حضور در این بخش را کاهش داده است، افزود: «مهم‌ترین دلیل این است که بازار مسکن پیش‌بینی‌ناپذیر شده است. افزایش قیمت تمام‌شده به واسطه تورم‌های مستمر در حوزه ساخت‌وساز داشته‌ایم.»

جهش ۵ برابری قیمت مصالح

در چند روز گذشته خبر افزایش یونولیت و دیگر مصالح ساختمانی به گوش رسید. این افزایش‌ها می‌تواند ساخت و سازها را با سختی همراه کند، از سوی دیگر قیمت مسکن نیز افزایش پیدا می‌کند. از هفته گذشته قیمت یونولیت ۵ برابر شده است، از سوی دیگر از اول سال که ۷۰ تومان بوده ۴۰۰ هزار تومان شده است. ایرج رهبر، عضو کانون انبوه‌سازان گفت: «گرانی مصالح ساختمانی می‌تواند پروژه‌های حمایتی را متوقف می‌کند.» این عضو کانون انبوه‌سازان با اشاره به افزایش ۵برابری قیمت یونولیت در یک هفته گفت: «فولاد و سیمان هم از مصالحی هستند که گران شده است، با توجه به اینکه مسئولان آلارم اشتباه می‌دهند اما قیمت‌های بازار اتفاقات دیگری را می گوید، با این وضع گرانی مصالح مشکلات ساخت‌وساز ادامه خواهد داشت.»

کاهش ۳۰درصدی مصرف مرغ

در حالی‌که قیمت مرغ افزایش قابل‌توجهی نکرده است، اما مصرف مرغ بین ۲۵ تا ۳۰ درصد کاهش یافته است. حبیب‌الله اسدالله‌نژاد، مدیرعامل اتحادیه سراسری مرغداران با بیان اینکه افت توان خرید مصرف‌کنندگان در میزان خرید قابل پیش‌بینی بود، گفت: «هم‌اکنون مرغ گرم کمتر از نرخ مصوب یعنی کیلویی ۵۰ تا ۵۲ هزار تومان در میادین میوه‌وتره‌بار عرضه می‌شود و این نشان می‌دهد که قیمت‌ها تغییر زیادی نکرده، اما به‌رغم عدم تغییر قیمت‌ها مصرف کاهش یافته است.» او ضرر روزانه تولیدکنندگان را حدود ۱۲۰ میلیارد تومان اعلام کرد و افزود: «ضرر تولیدکنندگان در ماه بیش از ۳ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان است. از این‌رو از وزارت کشاورزی انتظار داریم یا از طریق شرکت پشتیبانی امور دام از وظایف قانونی خود اقدام به جمع‌آوری مرغ مازاد کند یا اینکه دغدغه تولیدکنندگان را در خصوص تامین منابع مالی و جبران ضرر و زیان احتمالی انجام بدهند.»

بحرانی‌شدن دارو تا ۶ماه آینده

حمید خوئی، دبیر انجمن علمی داروسازان ایران گفته است، کمبود آنتی‌بیوتیک نسبت به دو ماه پیش بهتر شده، اما برخی داروهای دیگر همچنان کمیاب هستند و اگر از صنعت داروسازی حمایت نشود، ممکن است طی سه تا شش ماه آینده، دچار بحران جدی شویم. به‌گزارش همشهری‌آنلاین، او دراین‌باره گفته است: «کمبودهای دارو به‌خصوص کمبود آنتی‌بیوتیک، در مقایسه با شرایط دوماه پیش، به میزان بسیار متنابهی بهتر شده است. به‌طوری‌که الان مسئله کمبود داروهای آنتی‌بیوتیک برای بیماران سرپایی وجود ندارد. البته هنوز برخی از اقلام آنتی‌بیوتیک در بیمارستان‌ها به‌راحتی قابل تهیه نیستند یا با کسری مواجه است، ولی کمبودی که در زمینه فرآورده‌های آموکسی‌سیلین، سفکسیم و... وجود داشت، برطرف شده است. کمبودهای دارویی هنوز کم‌وبیش وجود دارد. این مسئله در تمام ۴۳سالِ گذشته وجود داشته و فقط شدت آن کم‌وزیاد می‌شده، اما شرایط الان نسبت به دو، سه‌ماه پیش بهتر شده است.»

بیش از ۳۸ هزار تن میگوی پرورشی در استان بوشهر تولید شد

سرپرست اداره کل شیلات استان بوشهر گفت: کار برداشت میگوی پرورشی از ۱۲ مجتمع فعال در این استان به پایان رسید و ۳۸ هزار و ۲۰۷ تن محصول در استان تولید شد. این میزان میگوی پرورشی با ذخیره سازی ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون قطعه بچه میگو از اردیبهشت تا پایان تیر ماه در ۳۷۹ مزرعه در سطح ۶ هزار و ۴۲۷ هکتار برداشت و تولید شده است. این میزان تولید میگوی پرورشی نسبت به سال گذشته ۱۰ هزار تن افزایش نشان می‌دهد.

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ – ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ – ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ – ۰۷۷
تلفن همراه و واتساپ: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



احداث ۲ پالایشگاه جدید در گچساران و کهگیلویه و باز هم آه و حسرت بوشهری ها!

هوشنگ حیدری



معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار کهگیلویه و بویراحمد از اخذ مجوز دو پالایشگاه گچساران و کهگیلویه خبر داد و گفت: این پالایشگاه‌ها تا یک ماه آینده کلنگ‌زنی می‌شوند.

سید احسان عسکری ظهر امروز در نشست هماهنگی بانک‌های کهگیلویه و بویراحمد عامل به منظور اعطای تسهیلات تبصره ۱۶ اظهار داشت: سه سایت پتروشیمی در دست ساخت بوده که یکی در اسفندماه امسال به بهره برداری خواهد رسید و پیشرفت فیزیکی دو پتروشیمی دیگر بین ۲۰ تا ۴۰ درصد بوده که نسبت به گذشته شتاب گرفته است.

وی به اخذ مجوز پالایشگاه‌های گچساران و کهگیلویه هم اشاره کرد و افزود: این پالایشگاه‌ها تا یک ماه آینده کلنگ زنی خواهد شد.

براساس این گزارش، دراستان بوشهر که تامین کننده بخش بزرگی از گاز کشور است، مردم شهرستان های دیر، دشتی، تنگستان، دشتستان، گناوه و دیلم، سالها است منتظر تاسیس یک یا دو پالایشگاه گازی در شهرستان خود هستند تا از ره آورد ساخت پالایشگاه، شاهد تحولات اساسی درحوزه های اقتصادی و زیرساختی و همچنین برطرف کردن مشکلات بیکاری زیاد جوانان خود باشند.

باید منتظر ماند آیا استاندار بوشهر هم در مرکز کشور و از طریق رایزنی با وزارت نفت، مجوزهای لازم جهت ساخت پالایشگاه در استان بوشهر کسب می کند یا خیر؟!

و این که بوشهری ها، بازهم همچنان باید به پیشرفت دیگر استان های همسایه خود نظیر کهگیلویه و بویراحمد به چشم حسرت ببینند! آیا وقت آن نرسیده است مجمع نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی، برای کلید خوردن پروژه مهم پارس شمالی، گام اساسی بردارند؟!

جمعیت زیر خط فقر مطلق به ۳۵ درصد رسیده

حسن صادقی رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری: افزایش جمعیت زیر خط فقر مسئله پنهانی نیست و خود جامعه آن را حس می‌کند. تداوم روندافزایشی آمارهای سال‌های پیش، خود گویای همه چیز است.

در زمان دولت اصلاحات و ریاست جمهوری سیدمحمد خاتمی جمعیت زیر خط فقر ۱۵ درصد بوده و این در دولت احمدی‌نژاد این میزان به ۲۰ درصد جمعیت کشور می‌رسد و در دولت حسن روحانی به ۲۵ می‌رسد.

برآورد ما با توجه به سیر آماری گذشته و وضعیت فعلی این است که این آمار اکنون حدود ۳۵ درصد بوده و به این ترتیب بیش از یک سوم جامعه ایرانی زیر خط فقر مطلق قرار دارند./ایلنا



نقدی بر گفته های استاندار بوشهر درباره از سرگیری فعالیت کشتی های صید صنعتی

صید ترال را به خلیج فارس برنگردانید

حسین شادکامی – کارشناس صید و بهره برداری آبزیان

جناب استاندار نمی دانم از وضعیت زیست محیطی دریای عمان و خلیج فارس ناشی از انواع آلودگی ها صید مخرب ناوگان ترالرها ، ارزش پودر ماهی و شاغلین ناوگان های صید صنعتی مطلعید و علاوه بر لابی های مخالف، لابی های موافق را شناخته اید؟

متاسفانه آمار و ارقام داده شده به شما غیر واقعی هستند .

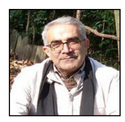
کلاس کشتی های مونتاژ ایرانی همه ترال کف می باشند که بعنوان ترال میانی جا زده اند ، هر کشتی بین ۲۰ تا ۳۵ خدمه دارد که آنهم اکثرا خارجی هستند و حداکثر اشتغال این کشتی ها بین ۲ تا ۳ هزار خدمه است .

صید ترال بخصوص ترال کف امروزه در دنیا منسوخ شده است همانطور که در سال ۷۱ شیلات ایران هر گونه ترال صنعتی در خلیج فارس را با صرف هزینه هنگفتی ممنوع کرد.

بیش از ۵۰ درصد صید این روش غیر اصولی است و سایر گونه های آبزی غیرهدف را از بین می روند و اثرات سوء اش بر اشتغال ماهیگیران سنتی که بیش از ۴۰ هزار نفر هستند و چند برابر صیادان صنعتی سرمایه گذاری کرده اند، بسیار زیاد است و آنها را در معرض کاهش صید و از بین رفتن سرمایه قرار میدهد.

اگر امروز چاره ای اندیشه نشود فردا دیر است.





گاهی مرگ پایان کبوتر است

دکتر سعید معدنی

در هوای سرد آخر پاییز (۲۲ دسامبر ۱۸۴۹) در سن پترزبورگ چشم‌های چند جوان روس را بسته و آماده اعدام هستند. سربازانی که در هوای سرد زیر شلاق بارش برف تفنگ بدست گرفته‌اند، منتظرند تا نصیحت‌ها و آمرزش طلبیدن کشیش وراج تمام شود و آنها ماشه‌ها را بچکانند و پی کارشان بروند. اما پیکی از راه می رسد و دستور تزار روس را می آورد که: اعدام نکنید.

اعدام شوندگان از مرگ نجات پیدا می کنند و سربازان هم نفس راحتی می کشند و در نهایت زندانیان در معرض اعدام به حبس و تبعید محکوم می‌شوند. یکی از این اعدامی‌ها فئودور داستایفسکی، نویسنده نابغه روسی است که اگر نبود واقعا جهان چیزی کم داشت.

داستایفسکی در زمان اعدام ۲۸ ساله بود. در جوانی چند کتاب ترجمه کرده و قصه‌هایی نوشته بود و پایش به محافل ادبی باز شده بود. او و دوستانش شبانه حلقه هایی تشکیل داده و بعضا در باره‌ی ادبیات اعتراضی علیه دیکتاتوری و تزار مستبد روس گفتگو می کردند که دستگیر می شوند. داستایفسکی پس از رهایی از اعدام ۳۰ سال زنده می ماند و شاهکارهایی مثل جنایت و مکافات، قمارباز، ابله، برادران کارامازوف و غیره را خلق می کند که هنوز هم هر رمان خوان حرفه‌ای به احترامش می‌ایستد و کلاه از سر برمی‌دارد.

اگر چه بعدها گفتند که تزار قصد ترساندن داشت و نمی‌خواست اعدام کند، ولی این جمع اهل قلم را تا دم هول مرگ بردند و بعد اعدام را متوقف کردند. هر چه بود بعدها داستایفسکی گفت: «به خاطر ندارم که در هیچ لحظه دیگری از عمرم به اندازه آن روز خوشحال بوده باشم».

داستایفسکی در سال ۱۸۸۱ در ۵۹ سالگی فوت می کند. ۹ سال بعد از مرگ داستایفسکی، رابرت استراد در آمریکا متولد شد. او در ۱۳ سالگی از منزل فرار کرد و به بزهکاری روی آورد و به مسیر جرم و انحراف افتاد. از مواد فروشی گرفته تا قوادی و... پرداخت. او به خاطر قتلی که مرتکب شده بود به زندان می‌افتد در زندان هم نگهبان را می کشد و به اعدام محکوم می‌شود. مادرش جهت جلوگیری از اعدام دست به دامن مقامات آمریکا می‌شود و حتی به دیدار رئیس جمهور هم می‌رود تا فرزندش را از اعدام نجات دهد تا این که تلاش‌های مادر کارساز می شود و با دستور رئیس جمهور آمریکا فرزند این مادر از مجازات اعدام رها و به حبس ابد محکوم شد. رابرت استراد ۵۴ سال در زندان ماند و در ۷۴ سالگی در همان زندان مرد.

رابرت استراد در زندان به پرندگان علاقمند شد و روی آنها شروع به مطالعه کرد. او متوجه برخی بیماری‌های پرندگان و چگونگی درمان آنها شد. در نهایت با پشتکار مداوم مطالعه کرد و نوشت، تا این که آثارش به محافل علمی و دانشگاهی راه یافت. او در حالی که در زندان آلکاتراز به حبس ابد محکوم بود اما به واسطه‌ی آثارش به یک استاد دانشگاه تمام عیار تبدیل شد. آثار وی بعدها راهگشای درمان بسیاری از بیماری‌های پرندگان شد.

داستان زندگی این دو نمونه متفاوت یعنی داستایفسکی روشنفکر اخلاق‌گرا و رابرت استراد مجرم و بزهکار، نشان می‌دهد نباید در اعدام افراد عجله کرد. بخصوص اعدام‌هایی که شاکی خصوصی ندارند و حکومت‌ها تصمیم می‌گیرند و می‌توانند مجازات جایگزین مثل زندان و تبعید را انتخاب کنند. در تاریخ غمبار این سرزمین، معمولا هیجان جای عقل را گرفته و حکومتگران و تصمیم‌گیران ما در برنگاههای تاریخی می‌توانستند اعدام نکنند و سایر مجازات را جایگزین کنند تا از چرخه تولید خشونت بیهوده جلوگیری کنند. از شیخ فضل الله نوری گرفته تا دکتر حسین فاطمی، از مرتضی کیوان گرفته تا خسرو گلسرخی و از غلامرضا نیک‌پی (شهردار تهران قبل از انقلاب) گرفته تا صدها و هزاران نفر دیگر.

سهراب سپهری در فرازی از اشعارش می گوید: و نترسیم از مرگ/ مرگ پایان کبوتر نیست.

اما واقعا در باره‌ی افرادی مثل داستایفسکی و استراد اگر اعدام می‌شدند پایان کبوتر بود. شاید همین تجربه گرانقدر بشری باعث شده تا بسیاری از کشورهای جهان قانون منع اعدام داشته باشند. اعدام تنها مرگی است که می توان بخشید و جانی را نجات داد. بخصوص اگر مدعی اعدام، حکومتگران باشند.

مردم چندبار می‌خواهند زندگی کنند؟

سیدحسین موسوی‌تبریزی، دادستان اسبق کل کشور در گفت‌وگو با جماران در واکنش به وضعیت اقتصادی کشور گفت: «این مردم چند بار می‌خواهند زندگی کنند؟ توقع یک مسلمان ایرانی بیشتر از یک انسان عادی نیست. جوانان، بزرگترها و حتی بچه‌ها را می‌بینیم که برای اولویات زندگی خود مشکل دارند و نمی‌توانند مشکلات خود را حل کنند؛ در مدرسه، دبیرستان، دانشگاه و... مشکل دارند، آقایان اینها را باید توجه کنند و بدانند که بیشترین مشکلات از شعار است.»

وی در ادامه افزود: «علت، بی‌برنامگی است. معلوم نیست کارهای اقتصادی دست کیست؟! معلوم نیست مصالح مردم را چه کسی بیان و رعایت می‌کند؟! هر سال یک‌سری وعده‌هایی داده می‌شود و در ادامه پول ما روزبه‌روز بی‌ارزش‌تر می‌شود و پول اجنبی و دیگران با ارزش می‌شود؛ با خراب کردن پول خودمان، پولِ همان‌هایی که فحش می‌دهیم را باارزش می‌کنیم و اقتصاد آنان را بالا می‌بریم. مرگ بر آمریکا می گوییم، ولی به نفع اقتصاد آمریکایی‌ها و طرفداران آمریکا کار می کنیم.»

۱۰هزار پرستار خانه‌نشین

معاون توسعه و مدیریت منابع سازمان نظام پرستاری اعلام کرد، ۱۰هزار پرستاری که در دوران کرونا خانه‌نشین شده‌اند، در انتظار استخدام هستند. حمیدرضا عزیزی به ایسنا گفت: «در دوران فراگیرشدن کرونا که فضای روانی خاصی هم بر جامعه حاکم بود، برخی نیروهای پرستاری در قالب نیروهای طرحی، تمدید طرح و حتی ۸۹روزه براساس نیاز کشور خدمت ارائه کردند. این اتفاق در شرایطی رخ داد که حتی برخی همکاران حوزه سلامت به‌دلیل کرونا، خانه‌نشین شدند و بسیاری از مشاغل دیگر هم دورکار شدند، اما پرستارانی که عمدتا هم دهه هفتادی و جوان هستند، ایستادند و از سلامت مردم دفاع کردند.» با این –همه عزیزی گفت: «با فروکش کردن آمار ابتلا به کرونا بسیاری از همکاران ما که نیروهای طرحی و تمدید طرحی بودند، با وجود ایثارهایی که کردند اما از کار بیکار شدند. سازمان نظام پرستاری، رسیدگی به این وضعیت را اولویت اصلی خود قرار داد تا بتوانیم پرستارانی که در شرایط بحرانی به داد مردم و مملکت رسیدند را مجدد به کار بازگردانیم.»

دعوا با دنیا

مسعود پزشکیان، نماینده مردم تبریز در گفت‌وگو با جماران در خصوص فقدان مدیر باتجربه و کاردان در کشور گفت: «قحط‌الرجال نیست. اما چون رجالی که با اینها هستند همین افراد هستند، در نتیجه کسی را ندارند که تجربه مناسب را داشته باشد و می‌گویند قحط‌الرجال است. مملکت برای گروه خاصی نیست. اگر ما تصور کنیم مملکت برای همه است آن وقت در این مملکت قحط‌الرجال پیدا نمی‌شود. ارزها و پول‌های ما خارج می‌شود و در نتیجه افرادی در مملکت می‌مانند که ضعیف‌تر و ناتوان‌تر هستند.»

وی در ادامه افزود: «ارتباط با دنیا مشکل تولید ما را حل می‌کند، هزینه ما را پایین می‌آورد و توان رقابت را بالا می‌برد، ولی وقتی جلوی این راه را می‌بندیم و بدتر می‌کنیم، به همه اینها صدمه می‌زنیم. مشارکت مردمی در داخل کشور انسجام و قدرت داخلی را افزایش می‌دهد و جلوی تشنجات را می‌گیرد؛ ما با عملکرد خود انسجام داخلی را ضعیف کرده‌ایم و از آن سمت هم با دنیا دعوا داریم.»